

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۹۶، یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۵، ۵ مارس ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

۳۸ سال از اعلان مبارزه‌ی آشکار حزب دمکرات کردستان ایران گذشت

ص ۲

رژیم برای مقابله با راسان، به مزدوران بازنشسته روی آورد

ص ۳

ایران در حال گذار از بحران آبی به جنگ بر سر آب است

ص ۳



روز جهانی زبان مادری، احترام به هویت ملی

ص ۸



تکوین و تکامل کفتمان کردایه‌نی در کرمانشاه و ایلام (بخش اول)



راسان، کابوس جمهوری اسلامی ایران

ص ۴



احزاب کردستان ایران، علیه توطئه‌ی جاری در پارلمان عراق گرد هم آمدند

ص ۲

جنبش روزهاات در برابر توطئه‌ی سپاه قدس می‌ایستد

سفن

مرگ برادرکشی

کریم پرویزی

در تاریخ رشد و شکوفایی ملت‌ها و به ویژه در میان ملت کرد نیز متأسفانه پدیده‌ی منازعات درونی یا جنگ داخلی که در فرهنگ سیاسی کردستان به عنوان جنگ برادرکشی از آن یاد می‌شود، پدیده‌ای چشمگیر با یک کارنامه‌ی سیاه تاریخی است. در هر دوره و زمانه‌ای نیز همواره افراد و عوامل و گروه‌هایی بوده‌اند که مدام در آتش جنگ دمیده و بر آن هیزم نهاده‌اند تا آتشی خانمانسوزتر شود. لیکن در دوران معاصر، اوضاع و شرایط سیاسی و درک و آگاهی جوامع به جایی رسیده است که دیگر چنین اعمالی را تاب نیاورده و هر گونه توسل به جنگ داخلی را محکوم می‌کنند. دو سال قبل در ارتفاعات کپله‌شین، تیمی از پیشمرگه‌های حزب دمکرات به محاصره‌ی گریلاهای پ.ک.ک در آمد و پس از چندین روز تماس سیاسی و گفتگو، متأسفانه کار را به توسل به سلاح کشاندند و در نبردی چند ساعته، چندین فرزند ملت کرد از هر دو طرف هدف گلوله قرار گرفتند. این یک رویداد تلخ و ناگوار تاریخی بود و فاجعه‌ای در راه بود، لیکن حساسیت افکار عمومی کردستان و به ویژه نقش رسانه‌ای و سیاسی، از تسری و فراگیر شدن شعله‌های آتش جلوگیری نمود. جنگ متوقف شد و مذاکره که بایستی از همان آغاز به عنوان راه حل پذیرفته می‌شد، لیکن در مرحله‌ی دوم تبدیل به چهارچوبی برای تعیین قواعد سیاست و مبارزه گردید. چند روز پیش به دنبال حرکت نیروهای پیشمرگه‌ی روزتاوا، نیروهای وابسته به پ.ک.ک که تحت عنوانی دیگر در روزتاوا و سنگال حضور دارند، به رویارویی با این واحدهای نیروهای پیشمرگه پرداختند و پس از تجربه‌ی سال‌ها دیالوگ، مذاکره، توافق

که در کشوری که تروریسم بر آن حکمفرماست، به نیروهای امنیتی عراق نمی‌توان اعتماد نمود. آقای پرویزی در ادامه اظهار داشت: "طرحی که توسط سپاه قدس تهیه شده و توسط ایادی جمهوری اسلامی در بغداد مطرح شود، فاقد اعتبار انسانی و سیاسی بوده و خود سپاه قدس و سپاه پاسداران و خود سران رژیم جمهوری اسلامی به خاطر اقدامات تروریستی‌شان تحت تعقیب بین‌المللی می‌باشند." این عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات اظهار داشت: "عراقی که میدان جولان تروریست‌های سپاه پاسداران بوده و تروریستی همچون قاسم سلیمانی هر روز در گوشه‌ای از آن حضور نظامی دارد، نمی‌تواند قوانینی معتبر جهت اخراج پناهندگان سیاسی داشته باشد." ایشان همچنین افزودند: "کشوری همچون عراق که هیچ حاکمیتی ملی در آن باقی نمانده، با چنین طرح‌هایی، آشوب را به مرزهای مشترکش با ایران فراخواهد خواند."



فراکسیون دولت قانون چنین طرحی را آماده کرده است. در این رابطه، کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به وب‌سایت کوردستان میدیا گفت: "مسئله‌ی نخست این است که بسیاری از کردهای روزهاات که در اقلیم کردستان حضور دارند، پناهنده سیاسی هستند که در این سال‌ها از بسیاری از حقوق پناهندگی نیز محروم شده‌اند. مسئله‌ی دوم، حفاظت پناهندگان سیاسی است

پارلمانی و جریانات سیاسی دست‌اندرکار در عراق و اقلیم کردستان در پیش بگیرند. بر اساس گزارشات منتشره، فراکسیون دولت قانون با تحریک سپاه قدس، شاخه‌ی برون مرزی سپاه تروریستی پاسداران در نظر دارد طرح اخراج احزاب کردستان ایران از اقلیم کردستان را در پارلمان عراق مطرح نماید. گفته می‌شود، پس از دیدار نوری مالکی و پاسدار ایرج مسجدی، سفیر رژیم ایران در بغداد

سوی جمهوری اسلامی است که هدف از آن ضربه زدن به مبارزان کردستان ایران بوده و بر استقلال سیاسی عراق و اقلیم کردستان نیز تأثیرگذار خواهد بود. در این نشست شش‌جانبه، احزاب کردستان ایران ضمن همصدایی در رابطه با این مسئله، کمیسیون مشترکی تشکیل دادند تا از این طریق برای خنثی نمودن توطئه‌ی مزبور تلاش کنند و برنامه‌ها و اقدامات مشترکی جهت دیدار و گفتگو با رؤسای فراکسیون‌های

شش حزب کردستان ایران در واکنش به توطئه‌ای که در پارلمان عراق علیه این احزاب جریان دارد، گرد هم آمدند. روز چهارشنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی، شش حزب کردستان ایران در مقر دفتر سیاسی حزب کومله‌ی کردستان ایران گرد هم آمدند. در این نشست که هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمدنظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب نیز در آن شرکت کرد، احزاب کردستان ایران به بحث و تبادل نظر در رابطه با طراحی توطئه‌ای در پارلمان عراق پرداختند که تحت پوشش یک طرح قانونی از سوی فراکسیون پارلمانی تحت رهبری نوری المالکی موسوم به "دولت قانون" در جریان است و هدف از آن، تحقق خواست رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اخراج و خلع سلاح نیروهای سیاسی مبارز کردستان ایران از خاک اقلیم کردستان می‌باشد. هر شش حزب حاضر در این نشست، بر این مسئله تأکید داشتند که این طرح، پروژه‌ای از

مانور "حمله‌ی چکشی" آمریکا به قایق‌های سپاه پاسداران



طوری که خطر درگیری بین دو طرف افزایش یافته است. در شهریورماه گذشته قایق‌های تندروی سپاه به فاصله غیر عادی ناو "یواس.اس نیتز" وارد شده بودند که با اعتراض نظامیان آمریکا همراه شده بود. یک روز بعد از این رویداد هم، بعد از نزدیک شدن قایق‌های تندروی سپاه، به سوی آنها شلیک اخطار صورت گرفته بود.

مقامات آمریکا در ماه سپتامبر گذشته اعلام کرده بودند که "افزایش بی‌دلیل تنش‌ها"ی ایران در خلیج ادامه دارد. شناورهای نظامی سپاه بدون دلیل به ناوهای آمریکا نزدیک می‌شوند و آنها برای جلوگیری از برخورد، مسیر خود را تغییر می‌دهند. قایق‌های سپاه در ماه‌های اخیر برای چندمین بار به کشتی‌های آمریکایی نزدیک شدند به

بسیار بالا به سمت این ناو آمریکایی در حرکت بوده‌اند که با این شرایط مواجه شدند. به گفته این مقامات، ناو آمریکایی "یواس.اس ماهان" قبل از شلیک به سمت قایق‌های ایرانی اقدام به برقراری ارتباط رادیویی با آنها کرده و درخواست نموده که قایق‌های ایرانی از سرعت خود بکاهند، اما قایق‌های ایرانی پاسخی به این درخواست نداده‌اند.

گرفته علیه نیروی دریایی آمریکا یعنی حملات از سوی قایق‌های تندرو رسیدگی کند. ماه ژانویه گذشته، یک ناو آمریکایی در تنگه‌ی هرمز اقدام به شلیک سه تیر هشدار به سمت چهار قایق تندروی سپاه تروریستی پاسداران کرد. رویتز به نقل از دو مقام نظامی آمریکایی نوشت که قایق‌های تندروی ایرانی با سرعت

نیروهای آمریکایی مانوری را در فلوریدا با حدود ۳۵ قایق تندرو مجهز به مسلسل همراه با حملات هلیکوپترها و جت‌های جنگی برای شبیه‌سازی جهت برخورد با قایق‌های تندروی ایرانی انجام دادند. به گزارش رویتز، این مانور را پایگاه نیروی هوایی اگلین سازماندهی کرد و نام آن را "حمله‌ی چکشی" نهاد تا به یکی از تهدیدهای صورت

ادامه در صفحه‌ی ۲

احزاب کردستان ایران، علیه توطئه‌ی جاری در پارلمان عراق گرد هم آمدند



کردستان نیز تأثیرگذار خواهد بود. در این نشست شش‌جانبه، احزاب کردستان ایران ضمن هم‌صدایی در رابطه با این مسأله، کمیسیون مشترکی تشکیل دادند تا از این طریق برای خنثی نمودن توطئه‌ی مزبور تلاش کنند و برنامه‌ها و اقدامات مشترکی جهت دیدار و گفتگو با رؤسای فراکسیون‌های پارلمانی و جریانات سیاسی دست‌اندرکار در عراق و اقلیم کردستان در پیش بگیرند. در خاتمه‌ی این نشست، یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد و طی آن نمایندگان احزاب کردستان ایران ضمن اعلام نتایج نشست و مواضع مشترک خود در این رابطه، به سؤالات خبرنگاران و رسانه‌ها پاسخ دادند.

اسلامی است که هدف از آن زربه زدن به مبارزان کردستان ایران بوده و بر استقلال سیاسی عراق و اقلیم

هر شش حزب حاضر در این نشست، بر این مسأله تأکید داشتند که این طرح، پروژه‌ای از سوی جمهوری اسلامی مبنی بر اخراج و خلع سلاح نیروهای سیاسی مبارز کردستان ایران از خاک اقلیم کردستان می‌باشد.

نوری المالکی موسوم به «دولت قانون» در جریان است و هدف از آن، تحقق خواست رژیم جمهوری

شش حزب کردستان ایران در واکنش به توطئه‌ای که در پارلمان عراق علیه این احزاب جریان دارد، گرد هم آمدند. روز چهارشنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۵ خورشیدی، شش حزب کردستان ایران در مقر دفتر سیاسی حزب کومله‌ی کردستان ایران گرد هم آمدند. در این نشست که هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمدنظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب نیز در آن شرکت کرد، احزاب کردستان ایران به بحث و تبادل نظر در رابطه با طراحی توطئه‌ای در پارلمان عراق پرداختند که تحت پوشش یک طرح قانونی از سوی فراکسیون پارلمانی تحت رهبری

۳۸ سال از اعلان مبارزه‌ی آشکار حزب دمکرات کردستان ایران گذشت

نظریه‌ی «سوسیالیسم دمکراتیک» به عنوان آرمان نهایی حزب دمکرات به تصویب اعضای کنگره رسید. همچنین با تلاش و بصیرت شهید دکتر قاسملو، حزب دمکرات کردستان ایران در شهریور ۱۳۷۵ و در کنگره بیستم «اینترناسیونال سوسیالیست» به عضویت همیشگی این سازمان بین‌المللی درآمد. حزب دمکرات کردستان ایران از سال ۲۰۰۴ عضو کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال می‌باشد که استقرار «سیستمی دمکراتیک و فدرال» بر مبنای معیارهای «ملی-جغرافیایی» هدف اصلی آن بوده و هرکدام از ملیت‌های ساکن ایران به صورت یکسان در حکامیت و تعیین سرنوشت مناطق خود، مشارکت فعال داشته باشند. حزب دمکرات کردستان در راستای اهداف تعیین شده از همه‌ی راه‌ها و الگوهای مبارزاتی استفاده نموده و همزمان اعتقاد عمیقی به صلح و آشتی برای نیل به این اهداف دارد. حزب دمکرات کردستان ایران تا سال ۱۳۹۱، پانزده کنگره برگزار نموده و در تمامی ارگانیزاسیون و تشکیلات درون حزبی از اصل «دمکراسی» و «تغییر» پیروی نموده است.

کنگره‌ی سوم، اصول و اسلوب راستین حزب دمکرات کردستان بار دیگر، زنده و پویا گردید و تاکنون نیز رهروان ایشان وفادار به آن راه، در حال مبارزه هستند. در اوایل انقلاب ملیت‌های ایران، حزب دمکرات کردستان ایران به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز، مطالبات ملت کرد را با رژیم تازه به دوران رسیده‌ی جمهوری اسلامی، مطرح نمود. اما چنین مطالباتی از سوی مقامات رژیم اسلامی، قابل قبول نبوده و حتی موجودیت ملت کرد در ایران را نیز انکار و آن را به رسمیت نمی‌شناختند. واکنش جمهوری اسلامی به مطالبات اساسی ملت کرد، حزب دمکرات کردستان ایران را واداشت که رفراندوم روز دوازدهم فروردین و انتخاب نوع حکومت آینده‌ی ایران را تحریم نماید و از مردم کردستان نیز خواسته شد که به سیستمی که تاکنون تجربه نگردیده، رأی ندهند. به دنبال آن و در بیست و هشتم مردادماه همان سال، رژیم خمینی علیه ملت کرد اعلان جهاد کرد و جنگی سراسری در کردستان آغاز گردید که برای مدت سه ماه ادامه یافت. در سال ۱۳۶۲ و در کنگره‌ی ششم،

«جمعیت تجدید حیات کرد» (ژ.ک) که سه سال قبل از آن تشکیل گردیده بود، بنا نهاد شد. بزرگترین دستاورد ملی مبارزات حزب دمکرات کردستان در آن دوران، تأسیس جمهوری دمکراتیک کردستان به رهبری پیشوا «قاضی محمد» است که بعد از انحلال آن و حاکم شدن دیکتاتوری شاهنشاهی نتوانست مانعی بر سر راه مبارزات ملی حزب دمکرات کردستان ایران قرار دهد. از اوایل سال ۱۳۲۶ تا اواخر سال ۱۳۵۷ که سیستم استبدادی محمدرضا شاه پهلوی در ایران کردستان فرمانروایی می‌کرد، هزاران تن از اعضا و هواداران حزب دمکرات، اعدام، تبعید و آواره گشتند، اما مبارزه‌ی حزب جهت دستیابی به آرمان‌های ملت کرد همچنان ادامه داشت. در مقطعی از تاریخ و در دهی چهل خورشیدی و هنگامی که «عبدالله اسحاقی» (احمد توفیق) نفر اول حزب بود، استقلال فکری و سیاسی حزب دمکرات با چالشی جدی مواجه شده بود که با بازگشت دکتر قاسملو به کردستان و برپایی کنفرانس سوم و بعدها

متمم نمودن ملت کرد به تجزیه‌طلبی زمزمه‌ای کهنه است و این اتهامی از سوی دشمنان انقلاب می‌باشد. رهبر فرزانه‌ی ملت کرد در سخنان خود بر حق تعیین سرنوشت و اداره‌ی کردستان تأکید و افزود: کردستان ایران باید از حالت منطقه‌ای نظامی و میلیتاریزه دربیاید و پادگان‌های نظامی باید در نزدیکی مرزها باشند نه در داخل شهرها. دکتر قاسملو همچنین افزود: ترور فکری باید حذف گردد و هیچ کس نباید به دلیل عقاید و دیدگاهش تحت فشار قرار گیرد. دکتر قاسملو خطاب به اعضا و کادرهای حزب دمکرات کردستان ایران نیز اعلام کرد: وظیفه‌ی اعضا و هواداران حزب است که دیدگاه و برنامه و خواسته‌های حزب را به میان توده‌های مردم کردستان برده و توجه مردم کردستان را به حمایت از حزب دمکرات جلب نمایند، وظیفه‌ی اعضا و کادرهای حزبی این است که برای احیاء و تأسیس ارگان‌های حزبی تلاش نمایند و نباید فراموش کنند که تشکیلات مهم‌ترین سلاح ماست. حزب دمکرات کردستان ایران، روز بیست‌وپنجم مردادماه ۱۳۲۴ بر مبنای ساختار تشکیلات سیاسی

پس از سی و دو سال فعالیت مخفی، حزب دمکرات کردستان ایران در یازدهم اسفندماه ۱۳۵۷ فعالیت آشکار خود را اعلام کرد. امروز چهارشنبه یازدهم اسفندماه، سی و هشت سال از اعلان مبارزه‌ی آشکار حزب دمکرات کردستان ایران می‌گذرد. در چنین روزی، حزب دمکرات کردستان ایران با برگزاری میتنگی با حضور هزاران نفر از کلیه‌ی مناطق کردستان در استادیوم ورزشی مهاباد فعالیت آشکار خود را اعلام نمود. این میتنگ نوزده روز بعد از پیروزی انقلاب ملیت‌های ایران برگزار شد و این همبستگی و اتحاد ملت کرد، رژیم تازه به قدرت رسیده‌ی خمینی را هراسان کرد. در این میتنگ، شهید دکتر عبدالرحمن قاسملو، رهبر فرزانه‌ی ملت کرد سخنانی را بدین مناسبت ایراد کرد. دکتر عبدالرحمن قاسملو در سخنان خود ایجاد سیستمی دمکراتیک در ایران را ضامن تحقق خواسته‌های مشروع ملت کرد دانست. دکتر قاسملو در این میتنگ به بازخوانی تاریخ مبارزاتی حزب دمکرات کردستان ایران در دوران رژیم شاهنشاهی پرداخته و می‌گوید:

ادامه سخن

و... که زیر پا نهاده شده بود، در این روز فاجعه‌آمیز باز هم حل مشکلات به لوله‌ی تفنگ سپرده شد و متأسفانه چند تن از فرزندان ملت کرد از هر دو طرف کشته و زخمی شدند. لیکن همانند رویداد کیهل‌شین، افکار عمومی کردستانی از خود حساسیت نشان داد و با موضع‌گیری‌های پیش‌ازتشکل‌گیری فاجعه‌ای بزرگتر پیشگیری نمود. اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان عمیقاً دگرگون شده است و سیاست و کار سیاسی و مبارزه و فعالیت در مرحله‌ی نوینی به سر می‌برد. ضروریست که این مرحله‌ی جدید را شناخته و به آن مباحثات کنیم. مباحثات از آن رو که در میان تمامی مصائب و ویرانی‌ها و پراکندگی‌ها و فشارها و تهدیدات دشمنان ملتمان و اشغالگران خاک و سیاستمان، میزان درک و آگاهی مردم کردستان و افکار عمومی ملت کرد به درجه‌ای رسیده است که اینک دارای جامعه‌ای حساس و بیدار هستیم که خودبخود از شکل‌گیری و بروز فجایع داخلی جلوگیری می‌کند. شاید گروه و جریانی و یا در میان برخی گروه‌ها نیز دست‌هایی در کار باشند که در آتش جنگ خانمانسوز داخلی بدمند و پیامد چنین جنگی نیز تنها فلاکت و بدبختی تمامی طرف‌ها و سوختن کردستان در آتش این اختلافات است، لیکن به آنان اجازه داده نشده است که از لحاظ فکری هژمونی خود را بر جامعه تحمیل کنند و کردستان به سوی حل مشکلات و اختلافات داخلی از راه سیاسی و گفتگو گام برمی‌دارد. اینجاست که بایستی به عنوان یک کردستانی به این امر مباحثات کنیم که با اتکا به خود و تجربیات خویش، به گونه‌ای خودمانی دیالوگ و سیاست‌راهکار و چهارچوبی برای حل مشکلاتمان قرار داده‌ایم. نشست در پشت میز مذاکره، مرگ برادر کشی است.

فراکسیون دولت قانون در پارلمان عراق با حمایت رژیم ایران طرح اخراج احزاب کرد روزها را آماده می‌کند

روبرو شده و آنان این طرح را سیاسی می‌دانند که نمایندگان فراکسیون دولت قانون می‌خواهند با حمایت رژیم ایران آن را به تصویب برسانند. در این رابطه، کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به وبسایت کوردستان میدیا گفت: مسأله نخست این است که بسیاری از کردهای روزها در اقلیم کردستان حضور دارند پناهنده سیاسی هستند که در این سال‌ها از بسیاری از حقوق پناهندگی نیز محروم شده‌اند. مسأله دوم مسأله حفاظت پناهندگان سیاسی است که در کشوری که تروریسم بر آن حکمفرماست به نیروهای امنیتی عراق نمی‌توان اعتماد نمود. اضافه بر این، طرحی که توسط سپاه قدس تهیه و به وسیله ایادی جمهوری اسلامی در بغداد مطرح شود، فاقد

اعلام کرده‌اند: اجازه نمی‌دهیم که احزاب کرد اپوزیسیون روزها در خاک عراق حضور داشته باشند و این خلاف قانون اساسی است. نمایندگان فراکسیون دولت قانون بر به تصویب رساندن این طرح در پارلمان عراق تأکید و به جمع‌آوری امضاء در این رابطه ادامه می‌دهند. این اقدام فراکسیون دولت قانون با مخالفت فراکسیون کرد پارلمان عراق



پارلمان عراق مطرح کرده است. گزارشات منتشره حاکی از آن است که این طرح شامل خلع سلاح و اخراج احزاب اپوزیسیون کرد روزها می‌باشد. گفته می‌شود، پس از دیدار نوری مالکی و پاسدار ایرج مسجدی، سفیر رژیم ایران در بغداد فراکسیون دولت قانون چنین طرحی را آماده کرده است. نمایندگان فراکسیون دولت قانون

فراکسیون دولت قانون در پارلمان عراق برای به تصویب رساندن طرح اخراج احزاب اپوزیسیون کرد روزها تلاش می‌کنند. بر اساس گزارشات منتشره، فراکسیون دولت قانون با تحریک سپاه قدس، شاخه‌ی برون مرزی سپاه تروریستی پاسداران طرح اخراج احزاب کرد روزها از اقلیم کردستان را در

فراکسیون دولت قانون در پارلمان عراق برای به تصویب رساندن طرح اخراج احزاب اپوزیسیون کرد روزها تلاش می‌کنند. بر اساس گزارشات منتشره، فراکسیون دولت قانون با تحریک سپاه قدس، شاخه‌ی برون مرزی سپاه تروریستی پاسداران طرح اخراج احزاب کرد روزها از اقلیم کردستان را در

لایست رژیم در آمریکا: ترورهای میکونوس و وین از عوامل شکست استراتژی «غرب منهای آمریکا» بودند

بایتخت اتریش به گفتگو نشست به همراه رفیق مبارز، کاک عبدالله قادری، عضو کمیته مرکزی به دست نمایندگان دولت رفسنجانی، علی اکبر ولایتی و علی فلاحیان از جمله مقامات عالی‌رتبه‌ی رژیم اسلامی هستند که از سوی دادگاه برلین به قتل رهبران حزب دمکرات و ملت کرد متهم گردیدند. ۲۲ تیرماه سال ۱۳۶۸ نیز، دکتر عبدالرحمن قاسملو در حالی که برای دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز مسأله کرد در ایران با تکی چند از نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی در وین،

و معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم اسلامی ایران را به جرم همدستی و معاونت در ترورها، از خاک آلمان اخراج کرد. ترور میکونوس در بیست و ششم شهریورماه ۱۳۷۱ در رستورانی به همین نام در برلین روی داد که در این ترور دکتر صادق شرفکندی دبیرکل وقت حزب دمکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی نماینده‌ی این حزب در اروپا، همایون اردلان نماینده‌ی حزب در آلمان و نوری دهکردی فعال سیاسی به شهادت رسیدند. دادگاه میکونوس در ۲۵۰ جلسه و حضور ۱۸۰ نفر به عنوان

مجری این استراتژی بودند و با تمام ظرفیت تلاش کردند». به گفته موسویان، «تروریسم دولتی»، اتهام اصلی آمریکا و اسرائیل به ایران بود و این اتهام به همراه موضوع پروسه صلح، کلیدی‌ترین موضوعاتی بودند که محور واشینگتن-تل آویو مصمم به برهم زدن روند بهبود روابط ایران و اروپا بودند. حسین موسویان از سال ۶۹ توسط وزیر خارجه وقت رژیم، عازم بن در آلمان شد و در زمان سفارت وی، ترور میکونوس به وقوع پیوست. دستگاه قضایی آلمان این دیپلمات

میکونوس، قتل فرخزاد، کشف موشک در کشتی ایران کلاهدوز به مقصد آلمان، ترور بختیار در فرانسه، ترور قاسملو در وین و حوادث مشابه در برخی دیگر از کشورهای اروپایی، موجب فرو ریختن پایه‌ها و دستاوردهای استراتژی نظام در مورد استراتژی غرب منهای آمریکا شد». این لایست رژیم در آمریکا می‌گوید: «مجری استراتژی «غرب منهای آمریکا» هم تنها من نبودم. شخص آقای هاشمی، آقای ولایتی، آقای واعظی و همه دیپلمات‌های ارشد وقت وزارت خارجه جملگی و متحدا

سفیر سابق رژیم در آلمان ترور شخصیت‌های برجسته اپوزیسیون رژیم را شکست استراتژی «غرب منهای آمریکا» که طراحان آن خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی بودند، در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد اعلام کرد. حسین موسویان، سفیر سابق رژیم در آلمان و لایست کنونی رژیم در آمریکا طی مصاحبه‌ای با وب‌سایت تحلیلی «دیدهبان ایران» به بازخوانی ترور شخصیت‌های برجسته اپوزیسیون در خارج از کشور پرداخته است. او گفته است: «حوادثی مثل ترور رهبران کرد در رستوران

پاسدار تقدی، معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه تروریستی پاسداران جلسات محرمانه‌ای با مزدوران رژیم در کردستان برگزار کرد. براساس گزارش کوردستان میدیا، طی چند روز اخیر، پاسدار تقدی، معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه تروریستی پاسداران جلسات مخفیانه و محرمانه‌ای با مزدوران رژیم در بوکان، مهاباد، سنندج و سقز برگزار کرده و از آنها خواسته که خود را برای مقابله با راسان روزگلات آماده کنند. پاسدار تقدی در این جلسات محرمانه از مزدوران بازنشسته سپاه در کردستان دعوت به همکاری نموده و گفته است: «در سال ۹۶ جنگ سختی با نیروهای

مرگ یک کولبر دیگر در سردشت بر اثر سرما



بر اثر سرما جان باخته است. به گفته شاهدان عینی، این کولبران با همکاری نیروهای مردمی به بیمارستان منتقل شده‌اند. یک منبع مطلع به خبرنگار کردپا گفت: کاروان رشکه بدون علائم حیاتی به آمبولانس‌های اورژانس رسیده بود و علیرغم تلاش پزشکان وی جان خود را از دست داد. ماه گذشته، در سردشت، پیرانشهر و ارومیه به دلیل سقوط بهمین و برف و کولاک ۶ کولبر کرد جان خود را از دست دادند و تاکنون جسد کولبر ارومیه‌ای در زیر بهمین مفقود می‌باشد. آمارها همچنین حاکی از تکرار مداوم تراژدی مرگ کولبران کردپا اثر تیراندازی مأموران رژیم است.

یک کولبر کرد دیگر برای جلوگیری از عوارض احتمالی بعد از سرمازدگی به بیمارستان سردشت منتقل شده است. خبرنگار کردپا افزود: در این حادثه، کولبری جوان به نام «کاروان رشکه» ۱۷ ساله فرزند ابوبکر اهل روستای «میرآباد» از توابع سردشت

ایران در روزگلات، مدعی شد: «این گروه‌ها با حمایت سازمان‌های فرامنطقه‌ای و برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج وارد فاز نظامی شده‌اند». راسان روزگلات عنوان خیزش نوین روزگلات است که پس از ۲۰ سال تعلیق مبارزه‌ی مسلحانه، حزب دمکرات در مراسم نوروزی سال جاری در کوه‌های مرزی کردستان ایران آن را اعلام کرد. حزب دمکرات کردستان ایران هدف از اعلام این دوره از مبارزات نوین را یکپارچه نمودن مبارزات «شار و شاخ» اعلام کرده است که می‌خواهد ایده آزادی را از زیر آوار از مدل‌های مختلف بزک شده استبداد نجات دهد و دوباره به جامعه معرفی نماید.

ضدانقلاب در پیش داریم و برای سرکوب ضد انقلاب و عملیات برون مرزی علیه آنها، به تجربه و جانفشانی شما نیازمندیم». یک منبع آگاه در این باره به خبرنگار کوردستان میدیا اعلام کرد: «پاسدار تقدی این جلسات محرمانه را به منظور سازماندهی مزدوران بازنشسته سپاه و پوشاندن هراس رژیم از راسان روزگلات انجام داده است». در همین رابطه نیز، روز شنبه، سی‌ام بهمن‌ماه، محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه تروریستی پاسداران در نشست خبری به راسان روزگلات اشاره کرد. این مسئول نظامی رژیم با اشاره به فعالیت‌های پیش‌مرگ‌های حزب دمکرات کردستان

به گفته‌ی نماینده سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، میزان منابع آب تجدیدپذیر ایران در ۱۵ سال گذشته به یک سوم متوسط جهانی نزول پیدا کرده است. سرچ ناکوزی، نماینده فائو در ایران، روز سه‌شنبه (۱۰ اسفند/ ۲۸ فوریه) در گفتگو با خبرنگار ایرانی مهر گفت: «افزایش جمعیت، عوامل محرک افزایش خودکفایی غذایی، شهری شدن، توسعه اقتصادی «اجتماعی» در ترکیب با اثرات منفی تغییر اقلیم و کاهش قابل توجه کیفیت منابع آب، مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده کمبایی

و چنان که رحیم میدانی، معاون آب و آبفای وزارت نیرو، به تازگی گفته این معضل می‌تواند به بروز «مناقشه و منازعات و حتی جنگ» بر سر آب و «تعارضات اجتماعی» منجر شود. به باور کارشناسان، بحران کم‌آبی و وضعیت نگران‌کننده تنش‌های آبی، گذشته از درگیری‌های محلی و مهاجرت‌هایی که در بخش‌هایی از ایران از جمله در استان سیستان و بلوچستان رخ داده، ممکن است به تنش میان کشورهای همسایه که رودخانه‌های مشترکی دارند نیز منجر شود.

ایران در حال گذار از بحران آبی به جنگ بر سر آب است

احتمال صحت داشتن دستور محرمانه‌ی دستگاه قضایی رژیم اسلامی ایران جهت تسریع در اجرای حکم اعدام حدود ۵۰ زندانی اهل سنت وجود دارد. بر پایه گزارشات، امام جمعه‌ی شهر زاهدان در نامه‌ای به علی خامنه‌ای ضمن ابراز نگرانی جدی از اعدام شهروندان اهل سنت، خواستار تدبیر و جلوگیری از اجرای احتمالی این اعدام‌ها شده است. این شخصیت شناخته‌شده بلوچستان، «نگرانی و دغدغه‌ی اهل سنت» را از انتشار شایعه‌ی دستور محرمانه‌ی رئیس قوه

قضائیه برای تسریع در اعدام شهروندان سنی مذهب اعلام کرد. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، سرعت بخشیدن به اعدام زندانیان اهل سنت را به متهمان مواد مخدر نسبت داده است. اوایل ماه گذشته برخی از وب‌سایت‌های داخل ایران به نقل از یک مقام ارشد قوه قضائیه از «دستور محرمانه» صادق آملی لاریجانی به دادرسی برای اجرای سریع مجازات اعدام زندانیان مواد مخدر اهل سنت خبر دادند.

آب در منطقه خاورمیانه هستند». مطابق بررسی‌های سازمان ملل متحد مناطقی که بیش از ۴۰ درصد آب‌های تجدیدشونده آنها مصرف شود دچار تنش آبی هستند و اگر این میزان به ۶۰ درصد برسد، وضعیت آنها بحرانی تلقی می‌شود. این در حالیست که حمید چیت‌چیان، وزیر نیرو، پنجم مرداد ماه در نخستین همایش ملی اقتصاد آب، میزان مصرف آب‌های تجدیدشونده در ایران را ۸۶ درصد اعلام کرد. بر این اساس ایران مدت‌هاست مرز بحران را پشت سر گذاشته

بار دیگر مأموران نیروی انتظامی رژیم در بلوچستان اقدام به تیراندازی بیرحمانه به سمت شهروندان بلوچ نمودند که در جریان آن «دو دانشجوی خاشی هدف گلوله قرار گرفتند و ۳ نفر دیگر زیر ضربات مشت و لگد» نیروهای رژیم به شدت زخمی شدند. بر اساس گزارش کمیته فعالین بلوچ، شبانگاه پنجشنبه ۱۲ اسفند، پنج دانشجوی اهل شهرستان خاش که برای تفریح با خودرو شخصی خود به سمت جاده ایران‌شهر در حرکت بودند، توسط مأموران نیروی انتظامی هدف گلوله قرار گرفتند. هویت این دانشجویان، عاصم

و نعیم شهنوازی فرزندان محمد نصیر، حیدر حسین زهی فرزند جان محمد، سامان شهنوازی فرزند محمد علی و داوود تاگری پور فرزند عبدالمجید عنوان شده است. همچنین سامان شهنوازی از ناحیه دست و گردن و عاصم شهنوازی از ناحیه پامورد اصابت گلوله قرار گرفتند. یکی از مصدومان در شرح حادثه گفته است: «مأموران لباس شخصی داشتند و ابتدا زیر خودرو خارق انداخته و لاستیک ماشینمان را پنجر کردند و بعد بدون ایست به سمت ما آتش گشودند و به فریادهای ما که می‌گفتم بی‌گناهیم

بار دیگر مأموران نیروی انتظامی رژیم در بلوچستان اقدام به تیراندازی بیرحمانه به سمت شهروندان بلوچ نمودند که در جریان آن «دو دانشجوی خاشی هدف گلوله قرار گرفتند و ۳ نفر دیگر زیر ضربات مشت و لگد» نیروهای رژیم به شدت زخمی شدند. بر اساس گزارش کمیته فعالین بلوچ، شبانگاه پنجشنبه ۱۲ اسفند، پنج دانشجوی اهل شهرستان خاش که برای تفریح با خودرو شخصی خود به سمت جاده ایران‌شهر در حرکت بودند، توسط مأموران نیروی انتظامی هدف گلوله قرار گرفتند. هویت این دانشجویان، عاصم

۵ دانشجوی بلوچ هدف گلوله مأموران رژیم قرار گرفتند



و دانشجویم گوش نمی‌دادند». تاکنون بارها جوانان بلوچ بر اثر شلیک‌های بی‌دلیل و بیرحمانه‌ی مأموران رژیم کشته و زخمی شده‌اند، اما در اکثر مواقع هیچ مسئولی پاسخگوی این رفتارها نبوده و مأموران از نوعی مصونیت قضایی بهره برده‌اند. در سال گذشته میلادی (۲۰۱۶) دستکم ۲۶ شهروند بلوچ بر اثر تیراندازی‌های مأموران امنیتی و انتظامی در بلوچستان کشته و زخمی شده‌اند.

و نعیم شهنوازی فرزندان محمد نصیر، حیدر حسین زهی فرزند جان محمد، سامان شهنوازی فرزند محمد علی و داوود تاگری پور فرزند عبدالمجید عنوان شده است. همچنین سامان شهنوازی از ناحیه دست و گردن و عاصم شهنوازی از ناحیه پامورد اصابت گلوله قرار گرفتند. یکی از مصدومان در شرح حادثه گفته است: «مأموران لباس شخصی داشتند و ابتدا زیر خودرو خارق انداخته و لاستیک ماشینمان را پنجر کردند و بعد بدون ایست به سمت ما آتش گشودند و به فریادهای ما که می‌گفتم بی‌گناهیم

بار دیگر مأموران نیروی انتظامی رژیم در بلوچستان اقدام به تیراندازی بیرحمانه به سمت شهروندان بلوچ نمودند که در جریان آن «دو دانشجوی خاشی هدف گلوله قرار گرفتند و ۳ نفر دیگر زیر ضربات مشت و لگد» نیروهای رژیم به شدت زخمی شدند. بر اساس گزارش کمیته فعالین بلوچ، شبانگاه پنجشنبه ۱۲ اسفند، پنج دانشجوی اهل شهرستان خاش که برای تفریح با خودرو شخصی خود به سمت جاده ایران‌شهر در حرکت بودند، توسط مأموران نیروی انتظامی هدف گلوله قرار گرفتند. هویت این دانشجویان، عاصم

راسان، کابوس جمهوری اسلامی ایران

جمیل کلاهی

ترجمه: هوراز

بر اساس گزارش‌هایی که اخیراً منتشر شده است، فراکسیون‌های سیاسی هوادار رژیم ایران در پارلمان عراق، به تحریک ایران قصد دارند طرحی را در پارلمان مورد بحث قرار دهند که بر اساس آن، هیچ حزبی نتواند خاک عراق را علیه همسایگان این کشور مورد استفاده قرار دهد. هم‌اکنون در خاک عراق هیچ گروهی غیر از احزاب کردستان ایران و پ.ک.ک وجود ندارند که علیه همسایگان آن فعالیت کنند، ایران پ.ک.ک عملاً در جبهه‌ی ایران قرار دارد و حتی در شنگال نیز با نیروهای عراقی همکاری می‌کند. از همین رو، این طرح صرفاً در ارتباط با کردستان ایران مطرح می‌گردد. سؤال این است که جمهوری اسلامی چرا می‌خواهد این طرح در پارلمان عراق به تصویب برسد؟ آیا رژیم پیشتر و در زمان جنگ داخلی که کردستان عراق در نهایت ضعف به سر می‌برد، نمی‌توانست چنین طرحی را ارائه کند؟ چرا در شرایطی این طرح را ارائه می‌دهد که اقلیم کردستان در مقایسه با گذشته بسیار نیرومندتر است و حمایت‌های بین‌المللی از آن گسترده‌تر و وضع اقتصادی آن نیز بهتر است؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤالات، بایستی مروری بر وضعیت ایران و منطقه داشته باشیم. منطقه خاورمیانه پس از بهار عربی تبدیل به آوردگاه منازعات قدرتهای بزرگ شده و هم‌اینک جنگ و تنش بیسابقه‌ای در این منطقه جریان دارد. احتمال آن می‌رود که این جنگ به زودی به درون مرزهای ایران نیز سرایت کند. از همین رو می‌بینیم که جمهوری اسلامی برای دور ساختن جنگ از خویش و بقاش سیستمش، در این تنش‌ها مداخله نموده و حتی اعلام می‌کند که ما از مرزهایمان در سوریه دفاع می‌کنیم. رژیم می‌خواهد با حفظ رژیم بشار اسد و تشکیل حشد شعبی در عراق و حمایت از حوثی‌های یمن و سرگرم ساختن عربستان به آنها، مرزهای خویش را امن و آرام نگه دارد. لیکن پاشنه‌ی آشیل ایران، کثیرالملمه بودن این کشور است؛ به دلیل آن که جمهوری اسلامی به گونه‌ای سیستماتیک می‌خواهد این ملیت‌ها را در ملیت حاکم ذوب نماید، با واکنش شدید ملیت‌های تحت ستم ایران مواجه گردیده و روزبه‌روز بحران ناشی از عدم حل مسأله‌ی ملی در ایران تشدید می‌شود. علاوه بر این، بحران اقتصادی و سرکوب روزافزونی که حتی بخشی از بدنه‌ی رژیم را نیز در بر گرفته و حتی کسانی را نیز در بر می‌گیرد که زمانی برای تثبیت و تحمیل رژیم از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نبودند و اینک در بازداشت به سر می‌برند. این دو بحران یعنی بحران اقتصادی و سیاسی، سیستم حکومتی ایران را به لرزه انداخته است به گونه‌ای که رژیم از هر گونه حرکتی وحشت دارد. اگر از این زاویه به قضیه نگاه کنیم، پاسخ سؤالات خویش را پیدا خواهیم کرد. جمهوری اسلامی ده‌ها میلیارد دلار برای جنگ در کشورهای منطقه هزینه نموده است تا جنگ به داخل مرزهای ایران سرایت نکند، زیرا می‌داند که در ایران کثیرالملمه هر گونه جنگ و تنش به سرعت

فراگیر خواهد شد، لیکن درست در چنین شرایطی حزب دمکرات کردستان ایران پروژه‌ی راسان را ارائه می‌کند. این به معنای ائتلاف و هدر رفتن تمامی پول‌هایی است که رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خویش هزینه نموده است. یعنی اگر مداخلات اخلاک‌گرایانه رژیم در خارج از کشور برای حفظ و بقای خویش، «تت» باشد، همانا راسان «آنتی‌تت» خواهد بود و از برخورد میان این دو «سنتت» حاصل خواهد شد که همان «رهایی ملی» است. لازم به ذکر است، برای موفقیت هر طرحی، وجود دو ویژگی ضرورت دارد: ۱. ضرورت تاریخی. یعنی این که آیا چنین پروژه‌ای در این برهه‌ی تاریخی ضرورت دارد یا خیر؟ آیا در حال حاضر راسان یک ضرورت است یا نه؟ که با اطمینان باید بگوییم به دلایل زیر ضرورت دارد: ملت کرد، ملتی تحت ستم است و اشغالگر نیز یکی از درنده‌ترین رژیم‌های تاریخ است، از همین رو هیچ یک از راه‌های مبارزه‌ی مدنی و مبارزات مسالمت‌آمیز در این بخش از کردستان به جایی نخواهد رسید. رژیم اشغالگر، تحت فشار خارجی و داخلی قرار گرفته است و بحران سیاسی و اقتصادی سرتاپای رژیم را در بر گرفته است و رژیم را دچار نقص و کاستی شدید نموده است، بحران ناشی از عدم حل مسأله‌ی ملی در ایران کثیرالملمه روزبه‌روز عمیقتر می‌شود، علاوه بر اینها اوضاع خاورمیانه اینک در نهایت نابسامانی و آشفتگی قرار دارد و این فرصتی است که ملت کرد بایستی به سود خویش از آن بهره‌برداری کند. ۲. اینکه مردم تا چه حد خود را در چهارچوب این پروژه یا طرح می‌بینند، یعنی طرح باید پاسخگوی خواست‌ها و آمل مردم باشد تا نهادینه گردد. راسان همان پروژه‌ای است که هر دوی این ویژگی‌ها را داراست، از همین رو، جمهوری اسلامی که قبلاً به هیچ وجه اشاره‌ی کوچکی هم به نام جنبش کردستان روزهاست نمی‌کرد، اینک تمامی مقامات ریز و درشت رژیم مرتباً با ذکر نام این جنبش اقدام به تهدید و عربده‌کشی علیه آن می‌کنند. این خود یادآور اهمیت راسان است. سایر گروه‌های سیاسی در چند سال اخیر، تیم‌هایی به داخل کردستان روزهاست اعزام نموده و در آنجا اقدام به گشت‌زنی نمودند، لیکن رژیم حساسیت چندانی نسبت به این گشت‌زنی‌ها از خود نشان نداد و نامی از آنان نبرد، لیکن اینک از راسان هراسیده است و در تهران مدام از آن سخن می‌گویند. چرا؟ زیرا راسان تنها به معنای گشت‌زنی پیشمرگه نیست، بلکه یک پروژه است و جمهوری اسلامی نیز از خطر این پروژه علیه خویش آگاه شده است. این که رژیم می‌خواهد چنین پروژه‌ای را در پارلمان عراق به تصویب برساند، بدان دلیل است که می‌خواهد یک بار دیگر امنیت خویش را در خارج از مرزها حفظ کند و در همان خارج از مرزها، راسان را با شکست مواجه کند. اگر این تلاش رژیم در عراق به سرانجام نرسد، ممکن است که به دو سناریوی دیگر متوسل گردد: آغاز مجدد ترورها در کردستان عراق و برافروختن جنگ علیه حزب دمکرات کردستان ایران از سوی نیروهای کردی وابسته به خویش، دو سناریویی هستند که احتمالاً جمهوری اسلامی خواهد توانست از آنها به عنوان اترناتیو استفاده کند.

در اینجا بایستی یادآوری کنیم که هدف جمهوری اسلامی، اخراج احزاب به ویژه حزب دمکرات از کردستان عراق نیست، زیرا می‌داند که چنین امری در حال حاضر برایش غیر قابل تحقق خواهد بود. چنین مسأله‌ای ناشی از این حقیقت است که کردها در هر چهار بخش کردستان، اعضای یک ملت هستند و احزاب کردستان ایران با سازمان مجاهدین خلق که از سازمان‌های سیاسی ملیت فارس بوده و مقرهای آنان در خاک عرب‌ها قرار داشت، تفاوتی اساسی دارند. علاوه بر این، احزاب کردستان ایران ارتباط تنگاتنگی با احزاب کردستان عراق دارند، به همین دلیل، هر گونه تلاشی برای اعمال فشار و حمله به مقرهای این احزاب به زیان احزاب کردستان عراق بوده و در این صورت، از سوی افکار عمومی در هر چهار بخش کردستان به شدت محکوم خواهند شد. از همین رو، این طرح پارلمانی جهت فشار بر نیروهای پیشمرگه‌ی مستقر در کوهستان‌های مرزی کردستان روزهاست مطرح گردیده است، نه نیروهای مستقر در منطقه‌ی کویه و سایر مناطق کردستان عراق. این پروژه در واقع، مستقیماً قنبدیل و کيله‌شین را نشانه گرفته است. اکنون که حزب دمکرات کردستان ایران پروژه‌ی راسان را آغاز نموده، مستقیماً امنیت رژیم را با خطر مواجه نموده است، درگیری مسلحانه‌ی مستقیم، وارد مرزهای تحت حاکمیت رژیم شده است، یعنی همان چیزی که رژیم از آن وحشت داشته و برای دور نگه داشتن خطرات آن از مرزهایش، میلیارد‌ها دلار هزینه نموده است، اینک مستقیماً گریبان رژیم را گرفته است. رژیم می‌داند که پروژه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران یعنی «راسان» را تنها با پروژه می‌تواند پاسخ دهد. حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان بزرگترین و نیرومندترین حزب کردستان روزهاست اینک در کوهستان‌ها مستقر شده و سرگرم بنیان نهادن زیربنای انقلابی نوین برای روزهاست است. دیگر روزهاست همانند گذشته نیست که به سهولت مورد معامله قرار گیرد، یعنی رفته‌رفته دارد جایگاه خویش را در معادلات سیاسی خاورمیانه پیدا می‌کند، زیرا به سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت است و در جهان نیز هر گروه و جریانی که از قدرت و توانمندی برخوردار باشد، به وزنه‌ای قابل حساب در تبدیل شده و در معادلات نادیده گرفته نخواهد شد. رژیم نیز همان گونه که ذکر شد، اهمیت این گام مهم حزب دمکرات را دریافته است، به همین دلیل است که مصرانه در پی عقب نشاندن نیروهای پیشمرگه از مقرهایشان در کوهستان‌ها به سوی دشت‌های کویه است. این پروژه از بغداد آغاز گردیده است و اگر به تصویب برسد، در آینده اقلیم کردستان را تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار خواهند داد. همچنین در اقلیم کردستان اقدام به تنش‌آفرینی خواهند نمود تا حکومت اقلیم را وادار کنند بر حزب دمکرات فشار بیاورد تا نیروی پیشمرگه از قنبدیل فرود آمده و از پیگیری و تداوم راسان دست بردارد. لیکن رژیم باز هم در اشتباه است، زیرا پیام راسان در میان مردم منتشر گردیده و عقب‌نشینی و بازگشتی در کار نیست، از همین رو، جمهوری اسلامی شاخ (کوهستان) را هدف قرار داده، زیرا می‌داند که قادر به برجیدن کویه نخواهد بود.



علیه احزاب کردستان روز‌هلات، با دسیسه‌ی سپاه قدس!

ابراهیم قاسمی‌زاد

نزدیک به دو دهه بود که احزاب کردستان روز‌هلات به‌خاطر رعایت منافع کردستان عراق و همچنین شرایط منطقه‌ای و جهانی فاز دیگری از مبارزه را برگزیده بودند که در آن مبارزه‌ی نظامی را فریز نموده و تنها از راه‌های معمول دمکراتیک و سیاسی سعی در هموارکردن و ساختن زمینه‌ی حل مسأله‌ی کرد در ایران راداشتند. در این مدت، از اسلحه تنها به عنوان وسیله‌ای برای دفاع در مواقع ضروری استفاده شده‌است. حضور نیروهای کردستان روز‌هلات در اقلیم کردستان در تمام این مدت تنها یک حضور سیاسی و بااهداف کاملاً سیاسی بوده است. از این رو ارائه‌ی طرح خلع سلاح و بیرون راندن احزاب کرد مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران از سوی فراکسیون "دولت قانون" عراق در این‌برهه‌ی زمانی با اوضاع ناپسامان حکومت مرکزی عراق نشان از دخالت همسایگان این کشور بالاخص رژیم دیکتاتور مذهبی و ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران در این کشور دارد. در بیش از دو دهه‌ای که احزاب سیاسی کرد ایرانی پایگاههای سیاسیشان را در کردستان جنوبی برای پیشبرد اهداف سیاسی و پیشبرد آرامش بکار بردند، رژیم

به جای اینکه به دنبال راه چاره و فرمولی برای حل مسأله‌ی کرد در ایران باشد، اقدام به ترور رهبران و اعضای احزاب کردستان روز‌هلات در خارج نمود. در داخل هم ماموران سرکوبگر استبداد دینی حاکم بر تهران، به سرکوب، آسیمیلیسیون، اعدام، زندانی کردن نخبگان و جوانان کرد ادامه داده و کردستان را به یک پایگاه نظامی تبدیل کردند. علاوه بر لاینحل ماندن مسائل انتیکی، سیاسی، مذهبی و ملی، دخالت‌های تفرقه افکنانه‌ی رژیم تهران در خاورمیانه چند کشور منطقه را به سوی انحطاط و نابودی کشانده است. به گونه‌ای که روزانه شاهد جنگ‌های فرسایشی و ویرانگر در این کشورها، یکی بعد از دیگری هستیم. با وجود این اوضاع ناامن و جو جنگی در این کشورها و شریتر شدن رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی، خلق‌های تحت ستم‌راهی به جز سازماندهی و دفاع مشروع از خود ندارند. این سیاست دفاعی خلق‌ها و به ویژه مردم کردستان است که رژیم را هراسان نموده و بر آن داشته تا از عوامل عراقی خود برای فشار بر احزاب کردستان ایران استفاده کند. مسأله‌ای که نشانگر آن است حاکمان رژیم جمهوری اسلامی اکنون فعالتر از همیشه بر ضد اراده‌ی آزادیخواهانه‌ی ملت کرد به میدان آمده‌اند. با آغاز مرحله‌ی نوین مبارزات حزب

دمکرات کردستان ایران معروف به "راسان" رژیم متوجه این واقعیت گردید که شکوه و عظمت حزب بعد از گذشت سی و هشت سال از اعلان مبارزه‌ی آشکار همچنان پابرجاست و همانند سال‌های آغازین مبارزه، صفوفش گرم، پراتزی و پرجنب و جوش می‌باشد. بنابراین رژیم دست به کار شده و شیوه‌های پیشین جنگ و حر به‌های مبارزه را اینبار و قیحانه تر به کار گرفته است. سازماندهی مجدد مزدوران بازنشسته نیز یکی از این شیوه‌های جنگ ناچوانمرانه است که می‌خواهد از این طریق ملت کرد را به دو طیف تقسیم کند و جنگ برادرکشی به راه بیاندازد. نزدیک به یک سال از آغاز راسان به رهبری و پیشانگی حزب دمکرات می‌گذرد. رستاخیزی که نوروز سال گذشته در کوه‌های مرزی کردستان روز‌هلات توسط رهبری این حزب اعلام گردید و در جریان آن حزب پا به مرحله‌ی نوینی از مبارزه گذاشت که همانا پیوند دادن مبارزه‌ی کوهستان به شهر بود. هر چند که در ابتدای کار عده‌ای از پیشمرگان قهرمان به کاروان شهیدان راه آزادی کردستان پیوستند، ولی خون آنها چنان نیرویی به لوکوموتیو مبارزه بخشید که بعید است تا سرمزل پیروزی بازیابستند. متقابلاً رژیم هم اقدام به دسیسه‌چینی، دادن نسبت‌های ناروا به مبارزات حزب، ترور و تهدید اعضای حزب

در داخل و خارج از کردستان نمود. احزاب کردستانی همچنان که پیشتر نیز گفته شد نزدیک به دو دهه بود که مبارزه‌ی نظامی را متوقف نموده بودند و رژیم به خیال خود، آنها را منحل اعلام کرده بود، ولی فاز جدید مبارزه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران و استقبال مردم کرد از راسان و اجابت پیام نوروزی رهبری حزب توسط جوانان کردستان، رژیم را دچار شوک سنگینی کرد. شوک وارده رژیم را بر آن داشت تا شیوه‌های کلاسیک و شکست خورده را دوباره به کار گیرد. سودجستن از فقر کردستان و بسیج کردن نیروهای بومی در مناطق مرزی، دوباره سازماندهی کردن مزدوران بازنشسته، توپباران روستانشینان مقیم در خاک اقلیم کردستان، ترور و بمبگذاری در مقر احزاب روز‌هلات، سرکوب در داخل کردستان با افزایش اعدام و دستگیری روشنفکران و نخبگان جامعه و تحمیل حبس‌های طولانی مدت به بازداشت‌شدگان مفلون به همکاری با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران را جهت برطرف کردن شوک و دشمنی برگزیده است. جمهوری اسلامی ایران با همزونی سیاسی - نظامی خود در عراق دست‌بالایی در به تصویب رساندن لایحه‌ی خلع سلاح احزاب کرد روز‌هلات مقیم در خاک اقلیم کردستان دارد که از سوی فراکسیون

"دولت قانون" عراق طرح شده است. تقریباً تمامی احزاب روز‌هلاتی در داخل خاک اقلیم کردستان دارای مقر و کمپ سیاسی هستند، در حالی که ایران در خاک عراق دارای چندین طیف نیرو و لشکر تا دندان مسلح است و بر بخش‌هایی از خاک این کشور مسلط می‌باشد. طرح چنین لایحه‌ای از سوی فراکسیون وابسته به سپاه قدس، برای نیروهای سیاسی مردمی عراق غیر قابل درک است و نمی‌تواند با خواسته‌ی دمکراتیک و ملی مردم این کشور تیبانی داشته باشد، بلکه تماماً یک خواست هدایت‌شده از تهران و در راستای سیاست‌های دخالت‌جویانه‌ی این رژیم است که باید در نطفه خفه شود. تردیدی نیست که طرح چنین لایحه‌ای از سوی فراکسیون مالکی کردستان، ترور و بمبگذاری در مقر احزاب روز‌هلات، سرکوب در داخل کردستان با افزایش اعدام و دستگیری روشنفکران و نخبگان جامعه و تحمیل حبس‌های طولانی مدت به بازداشت‌شدگان مفلون به همکاری با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران را جهت برطرف کردن شوک و دشمنی برگزیده است. جمهوری اسلامی ایران با همزونی سیاسی - نظامی خود در عراق دست‌بالایی در به تصویب رساندن لایحه‌ی خلع سلاح احزاب کرد روز‌هلات مقیم در خاک اقلیم کردستان دارد که از سوی فراکسیون

نگاهی توضیحی در باره «حاکمیت ملی» استراتژی سیاسی حزب مردم بلوچستان

و استفاده از منابع محیط پیرامونشان، امکاناتی را فراهم می‌آورند که با بهره‌وری از آن ادامه حیات و زندگی متناسب با شرایط زیست محیطیشان، ممکن می‌گردد. سرانجام تلاش و کوشش فردی و یا جمعی برای رفع نیازهای فردی و یا جمعی به ایجاد دستاورد و تولید محصولی می‌انجامد که حس تعلق و تملک ویژه فردی و یا جمعی نسبت به آن دستاورد و محصول بوجود خواهد آورد. دستاوردها و کالاهایی که با بهره‌گیری نیروی فکری و جسمی فرد و یا جمع برای رفع نیازمندی‌های مادی می‌شوند، معنوی افراد جامعه تولید می‌شوند، دارای ارزش مادی و معنوی گشته و تولیدکنندگان، بطور طبیعی خود را شایسته بهره‌وری از آن دانسته و دیگران را از تعرض به آن دستاورد با دفاع فردی و یا جمعی باز داشته‌اند. رعایت این امر از سوی اطرافیان، یعنی تأیید مالکیت و تعلق آن دستاورد به تولیدکنندگان آن، موجد مقوله حق و رعایت حق امری الزامی برای داشتن جامعه‌ای قانونمند و با ثبات بوده است. رعایت نشدن این امر و برهم زدن قراردادهای نانوشته جمع، همواره باعث تنش و چالش در میان افراد و گروه‌های انسانی در طول تاریخ بشریت بوده است. حقوقی که مستقیماً با دخالت اراده انسانی حاصل می‌شوند به عنوان حقوق اکتسابی و یا خصوصی شناخته می‌شوند، مانند حق مالکیت و بهره‌وری از شکاری که کرده‌ای، حق

استفاده از مکان و سر پناهی که خود ساختهای و یا بهره‌برداری از درختی که در قلمرو فرمانروائی خود کاشته و یا مواظبت کرده‌ای. اما حقوقی که برای پاسخ به نیازهای گروهی و بدون دخالت مستقیم اراده انسانی در پروسه‌ای طولانی از زمان و بطور طبیعی، آرام و تدریجی برای تداوم هستی حاصل می‌آیند به عنوان حقوق طبیعی و یا عمومی شناخته شده‌اند، که متعلق به همه افراد جامعه‌اند، مثل حق آموزش زبان مادری به کودک، حق حیات فردی، حق آزاد اندیشیدن و حق بیان آن، حق حیات گروهی و… بدین ترتیب می‌توان گفت که حق امری اعتباری است که اعتبار خود را برای مالکش از طریق تأیید و تصویب کنشگران مقابل که در محیط زیست مشترک و پیرامون آن موجود هستند، به دست می‌آورد. حاکمیت

از آنگاه که زندگی انسان‌ها به شکل جوامع مدنی در آمد، ضرورت و حضور یک قدرت کنترل‌کننده برای برقراری نظم سیاسی و اجتماعی مورد نیاز جوامع، امری اجتناب‌ناپذیر بوده است. حاکمیت ، آن نیروئی است که این نظم سیاسی و اجتماعی را سازمان داده و می‌دهد. برای اینکه یک جامعه سیاسی بتواند به حیات خود ادامه دهد، وجود یک منبع و یک قدرت عالیه= (سازمان دهنده که منشأ قوانین و همچنین ضمانت اجرایی آن قوانین باشد نیازی حیاتی و از ملزومات زندگی اجتماعی بوده است. نام این قدرت عالی سیاسی نظم و سازمان‌دهنده جامعه حاکمیت است که همواره در طول تاریخ جوامع بشری برای جابجایی این قدرت سازمان‌دهنده یعنی اینکه حاکمیت به مثابه ابزار فرمانروایی در اختیار چه کسی باشد؛ مثلا رئیس و سردار قبیله؟ خان؟ حاکم؟ شاه؟ شاه شاهان؟ رعیت؟ کنیسه؟ کلیسا؟ مسجد؟ مردم و ملت ؟ و… موضوع جنگ‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی درون هر جامعه و تنش‌ها میان جوامع مختلف بوده و می‌باشد. تفاوت میان مقوله مردم و ملت در این است که مردم برای توجیه وجود خود نیازمند پرورش در زمان نیست و در هر نقطه ای از زمان و در هر مکانی همواره وجود داشته و خواهند داشت. اما مقوله ملت ذاتاً نیازمند پرورش در زمان و تکامل مردم یک جامعه به این مقوله است که از طریق یک بل تاریخی بین نسل‌های مختلف مردم در یک سرزمین مشخص و در طی زمان از طریق زندگی مشترک با استفاده از عناصر زبان و فرهنگ و گاهأ مذهب، نوعی همبستگی ملی می‌تواند میسر گردد که این خود تعریفی از ملت می‌باشد. شکل‌گیری و نطفه‌بندی ملت، آغاز نطفه‌بندی و شکل‌گیری دولت است. ملت، قبل از دولت وجود دارد و دولت بدون ملت، نمی‌تواند وجود خارجی داشته باشد. مشروعیت سیاسی هر دولتی تا آنجاست که خواسته‌های سیاسی

ملت معینی را نمایندگی می‌کند . بنابراین، مشروعیت سیاسی دولت‌ها نه از مرزهای جغرافیائی، بلکه از همبستگی ملی ناشی می‌گردد. مشروعیت سیاسی دولت‌های حاکم در کشورهای کثیرالمله‌ای مثل ایران که فقط می‌توانند حافظ منافع یک ملت باشند، فقط با زور سرنیزه حاصل می‌آید زیرا در اینجا مشروعیتش را نمی‌تواند از عنصر همبستگی ملی‌ای که وجود ندارد، حاصل نماید. مردم بلوچ با فعالیت جمعی خود طی هزاره‌ها زندگی مشترک، با آفرینش عناصر مشترک مورد نیاز برای جمع تاریخی خود، مانند زبان، فرهنگ، هنر و شیوه زندگی مشترک در سرزمین تاریخی خود بنام بلوچستان، هویت تاریخی ویژه به خود و سازمان و نظم اجتماعی متناسب با نیازشان را پدید آورده‌اند. حاکمیت ملت بلوچ در سرزمین بلوچستان حقی است که تاریخاً به تأیید و تصویب حقوقی جوامع همسایه نیز رسیده است. اما این حق، به دلیل ضعف و ناتوانی حکومت‌های بلوچ از یکسو و رقابت‌ها و حیله‌گری‌های سیاسی و معاملات استعمارگران بین‌المللی از سوی دیگر، با زور سرنیزه و سرکوب بیرحمانه، از ملت بلوچ گرفته شده است. حضور استعمار انگلیس در شبه‌قاره هند و خاورمیانه و تنش آن با دو امپراطوری روسیه در آسیای میانه و عثمانی در خاورمیانه و سرانجام معاملات آن با دول وقت ایران (هم

قاجاریه و هم پهلوی)، از عوامل مؤثر در پایمال شدن این حق بوده‌اند. مختصری از وضعیت سیاسی بلوچستان غربی پس از حضور استعمار بریتانیا در شبه‌قاره هند و تلاش آن برای پیشروی به سمت آسیای میانه، با مقاومت مردم بلوچ در کلات و خضدار روبرو گردید، اما نهایتاً پس از مقاومت دلاورانه‌ی سران و سرداران بلوچ تحت رهبری میرمه‌راب خان، سرانجام پس از شهادت میرمه‌راب خان در ۱۳ نوامبر ۱۸۳۸، آن را تصرف و با عقد قراردادی، بلوچستان بریتانیا را اعلام نمود که خود ماجرای دیگر و تاریخی دیگر دارد. اما: استعمار بریتانیا پس از شکست‌های بیایی و ناکامی و ناامید شدن از مستعمره ساختن بخش غربی بلوچستان، برنامه درهم شکستن مقاومت بلوچستان غربی را طی برنامه‌ای درازمدت و پروسه‌ای پیچیده از سال ۱۸۴۹ میلادی، در معامله‌ای با دولت قاجار در زمان ناصرالدین شاه، با باز کردن پای دولت مرکزی ایران به بلوچستان آغاز کرد. مرزکشی معروف ژنرال انگلیسی بنام گلدسمیت در سال ۱۸۷۱ عملاً بلوچستان را به دو بخش بلوچستان شرقی (حوزه نفوذ انگلیس) و بلوچستان غربی (حوزه نفوذ قاجار) تقسیم نمود. استعمار

ادامه در صفحهی ۶

ادامه صفحه‌ی ۵

انگلیس در ادامه تنش‌های خود با روسیه، سرانجام پس از جنگ جهانی اول در سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ هجری شمسی برابر با ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ میلادی، با اجرای کودتایی موفق علیه دستاوردهای انقلاب مشروطیت در ایران و سرنگونی قاجاریه، با به حکومت نشاندن رضاشاه پهلوی در ایران، این پروژه را تکمیل گرداند. رضاشاه پهلوی در سال ۱۹۲۸ با حمایت‌های بیدریغ استعمار بریتانیا و با استفاده از دو لشکر خراسان و کرمان با فرماندهی تیمسار امان‌الله جهانبانی، حکومت دوست‌محمدخان باران زهی در پیره را شکست داد و رسماً تصرّف بلوچستان را اعلام نمود (برگرفته از کتاب خاطرات تیمسار جهانبانی در تصرف بلوچستان). بدین ترتیب حاکمیت ملی و سرنوشت آینده مردم بلوچ با زور سرنیزه از آنها گرفته شد و حاکمیت شوینستی و سیاست‌های استعمارگرانه حکومتگران ایران، که هم اکنون نزدیک به یک قرن از آن می‌گذرد، باعث عقب‌ماندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بلوچستان گشته است. شرایط حاکم کنونی در بلوچستان و عقب‌ماندگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم بلوچ، محصول بی‌چون و چرای حاکمیت استبداد بر کل ایران از یک سو و اعمال سیاست‌های ویژه علیه مردم بلوچ از سوی دیگر می‌باشد؛ مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم بلوچ نه تنها مورد حمایت رژیم‌های حاکم بر ایران نبوده و نیست، بلکه از داشتن کوچکترین نهادها و ارگان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز محرومند و همواره بر اساس سیاست‌های حاکم بطور عامدانه به تفرقه سیاسی و عقب‌ماندگی اجتماعی هدایت شده و می‌شوند. محمود خلعتبری، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان ستو در دوران محمدرضاشاه پهلوی، در مصاحبه با نویسنده، سیاستمدار و خاورمیانه‌شناس معروف آمریکایی در کتاب «در سایه افغانستان، ناسیونالیسم بلوچ و وسواس‌های شوروی» می‌گوید: تصور ما در ستو همیشه این بود که بلوچ‌ها در فرصتی سعی خواهند کرد با کمک شوروی دولت مستقل خود را ایجاد کنند. بنابراین تلاش ما این بود که تا حد ممکن آن‌ها را از نظر سیاسی ضعیف، عقب‌مانده و نامتحد نگه داریم مؤلفه‌ها و ملزومات بازبایی حاکمیت ملی: بازپسگیری چنین حقّی که با سرکوب نظامی زورگویان غصب شده است، نیازمند داشتن توان و قدرت برتر در مقابل قدرت سرکوبگران حاکم است. در قرن بیست و یکم، چنین قدرتی فقط و فقط در توده‌های آگاه مصمم و سازمان‌یافته برای دفاع از حقوق خودشان نهفته است. وجود احزاب سیاسی ملی–دمکراتیک قدرتمند و متحد برآمده از بطن جامعه بلوچستان که در ارتباطی پویا با توده‌های مردم بلوچ باشند، شرط اول برای دستیابی به حاکمیت ملی مردم بلوچستان می‌باشد. مصمّم بودن و سازمان‌یافتگی پیشگامان سیاسی بلوچ با حمایت‌های سازمان‌یافته مادی و معنوی توده‌های آگاه و باورمند به این استراتژی، مؤلفه اصلی، محوری و فاکتور تعیین‌کننده از درون جامعه و حمایت‌های مادی و معنوی جوامع خارج از بلوچستان، مخصوصاً ملیت‌های درون مرزهای ایران و همچنین منطقه، فاکتور مهم از بیرون برای دستیابی به این استراتژی‌اند.

جوامع امروزی در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی چنان بهم پیوسته‌اند که بدون فراهم آوردن زمینه‌های عملی و هماهنگی این دو مؤلفه که لازم و ملزوم یکدیگرند و در عین حال هر کدام دارای پیچیدگی‌های ویژه می‌باشند، رسیدن به استراتژی فوق و یا هر استراتژی دیگر خارج از چشم‌اندازی واقع‌بینانه می‌باشد. تکیه‌گاه این هدف استراتژیک، بطور عمده قدرت توده‌های آگاه و سازمان‌یافته مردم بلوچستان، توده‌هایی که در نهادها و ارگان‌های دمکراتیک مدنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سازمان یافته‌اند، می‌باشد. از آنجائی که فعالیت محوری توده‌های مردم حول مطالبات صنفی، سیاسی و اجتماعیشان متمرکز خواهد بود، لذا مسالمت‌آمیز، نفرت‌گریز و خشونت‌پرهیز بودن برای کسب حمایت‌های حداکثری، از خصوصیات بارز مبارزات آنان می‌باشد. در عین حال، ملت بلوچ بر اساس موازین حقوق بین‌الملل و اصل حق تعیین سرنوشت، حق استفاده از همه شیوه‌های رایج بین‌المللی برای دفاع از خود در مقابل خشونت‌ها و قانون‌گریزی‌های دولتی را حقی انسانی، دمکراتیک، مشروع و قابل دفاع می‌شمارد. آمادگی ذهنی و توانایی روشنفکران و آمدادگی ذهنی و توانایی عملی توده مردم را نباید بجای یکدیگر اشتباه گرفت. طرح شعارهای استراتژیک از سوی احزاب سیاسی اگر با آمادگی ذهنی و عینی و وضعیت زندگی مادی و اجتماعی توده مردم بلوچستان همخوانی نداشته و فاصله زیادی از واقعیت‌های ملموس زندگی سیاسی و اجتماعی آنها داشته باشند، نه تنها در عمل مورد حمایت توده‌ها قرار نخواهند گرفت، بلکه به شکل شعار روشنفکرانه و جدا از توده‌ها باقی خواهند ماند و چه بسا که اگر این شعارها به مدت طولانی قابلیت عملی شدن و اجرایی نسبی نیابند، نهایتاً سبب سرخوردگی و بی‌عملی در میان روشنفکران و ناامیدی در میان توده‌های مردم خواهند گشت. نقشه راه‌های دستیابی استراتژی حاکمیت ملی حاکمیت ملی همانند هر مقوله و پدیده اجتماعی دیگر مطلق و یکنواخت نیست و همواره نسبت به ابعاد زمان و مکان در حال تغییر و تحول بوده است. بنیاد جنگ‌های جهانی اول و دوم قرن بیستم در اروپا با تصرف سرزمین‌های دیگران و غصب حاکمیت ملی آنان آغاز گردید و به سراسرجهان گسترش یافت. اما قرن بیست و یکم شاهد اشتراک داوطلبانه حاکمیت ملی اکثریت کشورهای اروپایی و تشکیل اتحادیه اروپا بود. همچنین در قرن بیست و یکم، از یکسو شاهد جدایی مسالمت‌آمیز دو ملت چک و اسلواک و تشکیل کشورهای مستقلشان بودیم، اما اینک پس از گذشت تقریباً دودهه، بار دیگر مذاکرات دو ملت چک و سلواک در تدارک به هم پیوستن داوطلبانه‌شان آغاز گشته است. همزمان در قرن جاری شاهد فروپاشی تمامیت ارضی کشورهای چند ملیتی استبدادی همانند یوگسلاوی با خونبارترین شکل ممکن نیز بوده‌ایم. در کشور ایران نیز که با سیاست‌های استعمارگرانه و شوینستی‌اش، پاره‌هایی از ملت‌های گوناگون اطراف خود را با زور سرنیزه در درون مرزهای کنونی خود زندانی نموده است، سرنوشتی خونبار همانند سرنوشت یوگسلاوی میتواند در انتظار ساکنان آن باشد، مگر اینکه معضل ستم ملی موجود در جامعه چند ملیتی اش را، آگاهانه، عادلانه و به شیوه مسالمت آمیزحل نماید. حال، نکته و سؤال مهم و اساسی که پیش روی فعالان سیاسی و متعهد جنبش ملی–دمکراتیک مردم

بلوچستان، قرار دارد این است که: در این برهه از زمان برای بدست آوردن حاکمیت ملی–دمکراتیک چه نقشه راهی در میدان عمل دنبال و پیگیری شود تا با پرداخت کمترین هزینه به حق سرنوشت خود بدست خود دست یافت؟ مواضع سیاسی واقع‌بینانه بر اساس تحلیل‌های مشخص از اوضاع و احوال و شرایط مشخص خود و طرف متقابل اتخاذ میشوند، زیرا که برای عملی ساختن هرگونه طرح و برنامه سیاسی، نیروی مادی، معنوی، مکانیسم‌ها و ابزارهای مشخص ویژه آن طرح لازمند. لذا، باید با واقع‌بینی و پرهیز از آرمانگرایی، با بررسی و شناخت امکانات و توانایی‌های خود و طرف مقابل، به طرح نقشه راه و انتخاب شعار سیاسی برای رسیدن به استراتژی مورد نظر اقدام نمود. با تکیه بر تجربیات کنونی جوامع بشری جهت حل این معضل، یعنی بازپسگیری حاکمیت ملی که جنبشی است رهایی بخش از سلطه سیاست‌های استعماری حاکمان تهران، دو گزینه پیش روی مبارزان جنبش ملی بلوچستان وجود دارد که هر کدام از این دو گزینه نقشه راه مناسب خود را طلب می‌کنند: نقشه راه گزینه اول: بازپسگیری حاکمیت ملی با به اشتراک گذاشتن بخشی حاکمیت ملی یکایک ملیت‌های ایران و ایجاد دولت مشترک مرکزی با ساختاری سیاسی غیر متمرکز فدرال که در کنترل و مدیریت همه ملیت‌های ساکن ایران بطور مشترک و برابر باشد. در چنین ساختاری، بغیر از اختیارات توافق شده که در کنترل دولت مشترک مرکزی می‌باشند، تمامی اختیارات دیگر در اختیار حکومت‌ها و پارلمان‌های منطقه‌ای قرار خواهند گرفت. شرط اجرا شدن چنین نقشه راهی، آمادگی ملیت‌های ساکن ایران بشمول ملیت فارس در به اشتراک گذاشتن بخشی از حق حاکمیت ملی خود برای داشتن حق برابر در تشکیل و مدیریت دولت مشترک مرکزی، می‌باشد. بخش وسیعی از اوبوزیسیون دمکرات ملیت فارس با تمام سخت‌جانی و خودمحروربنداری، دلیل نگرانی از یکپارچگی سرزمینی ایران کنونی به این باور رسیده‌اند که حل مسالمت‌آمیز مشکلات و نابرابری‌ها در ایران چند ملیتی، همانند بسیاری از کشورهای چندملیتی دیگر، در برقراری یک سیستم غیر متمرکز و تأمین حقوق برابر همه ملیت‌ها، تنها ضمانت برای حفظ یکپارچگی ایران خواهد بود. مانع اصلی نقشه راه این گزینه، وجود نظام‌های مستبد و بغایت متمرکز و شوینست حاکم بر ایران می‌باشند. بخش وسیعی از اوبوزیسیون دمکرات ملیت فارس بر این نکته اتفاق نظر دارند که نظام جمهوری اسلامی به دلیل ساختار سیاسی – مذهبی و حاکمیت استبداد دینی و فرقه‌ای باعث ایجاد فساد عمومی در کلّ جامعه گشته و کشور را به فقر و ویرانی و بن‌بست در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشانده و در طول نزدیک به چهار دهه گذشته، غیر قابل اصلاح بودن آن محرز گشته است و راهی جز از میان برداشتن آن و جایگزینی آن با نظامی دمکراتیک و سکولار نیست و این تنها با ایجاد اوبوزیسیونی مشترک، متحد و قدرتمند از میان همه ملیت‌ها و مردمان گوناگون ساکن ایران، امکانپذیر است. هر فعالیتی که جامعه ایران را یک قدم به نهدانیه شدن دمکراسی نزدیکتر کند، در واقع ملل تحت ستم در ایران را چند قدم به حق تعیین سرنوشت و کاربست حاکمیت ملی‌شان نزدیکتر خواهد نمود. وجود نهادها و ارگان‌های سیاسی، صنفی، اجتماعی و حقوقی مستقل که از

ضرورت‌های بدیهی تحول در هر جامعه مدرن می‌باشند، به فضای باز سیاسی و دمکراتیک وابسته‌اند و باعث تقویت همبستگی، روحیه جمعی و ملی در تقابل با روحیه فردگرایی و گروه و طایفه‌گرایی در میان ملیت‌هایی چون ملیت بلوچ خواهند شد. در چهارچوب چنین مناسباتی، ملت بلوچ قادر خواهد شد تا با ایجاد نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و صنفی گوناگون، خود را متحول کند و به سوی ملّتی متحد و توانمند تکامل یابد. با تکامل و هر چه قدرتمندتر شدن نهادها و ارگان‌های ملی لازم ماندن احزاب سیاسی، پارلمان ملی، دولت ملی، نیروهای انتظامی ملی و… و توانمند شدن مردم در میدان‌های گوناگون اجتماعی طی مبارزهای مستمر و متمدنانه است که نسل‌های آینده برای دستیابی هر چه کاملتر به حقوق انسانی و محافظت از میراث تاریخی و فرهنگی خود، با آمادگی بیشتر و توان لازم به اعمال حاکمیت ملی–دمکراتیک خود به پیش خواهند رفت. نقشه راه گزینه دوم: بازپسگیری حاکمیت ملّی سلب‌شده در قالب سیاست و طرح شعار استقلال و رها شدن از ایران می‌باشد. به دلیل حاکمیت‌طولانی‌استبداد و نبود فضا و فرهنگ دمکراتیک در جامعه ایران، اجرای نقشه راه این گزینه، به شیوه مدرن و مسالمت‌آمیز همانند دو ملت چک و سلواک امکانپذیر نیست و اعمال خشونت و نفرت‌پرانی از جانب هر دو طرف برای در هم شکستن توان نظامی یکدیگر، امری حتمی و گریزناپذیر خواهد بود. پیروزی نقشه راه تأمین حاکمیت ملی با شعار استقلال برای درهم شکستن یکپارچگی ایران، به امکانات محدود مردم بلوچ و از خودگذشتگی‌های قشر پیشرو و حمایت‌های پشتیبانان بین‌المللی چنین سیاستی متکی خواهد بود و این امکانات به نوبه خود بستگی به معاملات دولت‌های متخاصم با دولت‌های مرکزی ایران خواهد داشت که عمدتاً موقتی، مشروط و مقطعی خواهند بود. پتانسیل سرکوب و فاجعه‌آفرینی دولت‌های سرکوبگر حاکم بر ایران با توجه به ابزارهای کشتار جمعی و قدرت تحمیقی‌شان با استفاده از احساسات شوینستی هم ملی و هم مذهبی مردم، گسترده‌تر از پیش گشته است. جهوشوری اسلامی برای حفظ تمامیت ارضی این قطعه گریه ماندن بازمانده از گستردی نهنگ‌مانند امپراطوری گذشته ایران، که بدون نفت عرب اهواز (خوزستان) گریه‌ای بی‌دست و بدون دسترسی به دریای آزاد بلوچستان، گریه‌ای بی‌ژم و بی‌پا خواهد بود، دست به هر جنایت ناممکنی خواهد زد. اگر دیروز در دوران شاه، آمریکا و اروپا از سرکوب بیرحمانه جمهوری‌های کردستان و آذربایجان حمایت کردند، بدون شک این بار روسیه و چین و پاکستان، برای سرکوب مبارزان ملی و فاجعه‌آفرینی علیه مردم بلوچ، جمهوری اسلامی را تنها نگذاشته و از یاری رساندن به آن لحظه‌ای دریغ نخواهند کرد. موضع کشورهای اروپایی در نقض موازین حقوق بشر در معامله با تأمین منافع ملی و اقتصادی خود در منطقه خاورمیانه و همچنین سهم‌خواهیشان از بازار مصرف بیش از ۸۰ میلیون ساکنان ایران نیز روز بروز و بیشتر از گذشته بر همگان عیان گشته است. همه کشورهای قدرتمند اقتصادی و نظامی جهان جهت دریافت سهم بیشتری از انرژی موجود در منطقه خاورمیانه، مدتهاست که آشکارا چشم بر نقض شدید حقوق بشر در ایران بسته و به حمایت از آخوند‌های حاکم برخاسته‌اند. سیاست‌های آمریکا که پس از فروپاشی شوروی سابق، با طرح نظم نوین جهانی و نقشه‌های جدیدش برای خاورمیانه،

عراق را دو دستی فدای نعلین ملایان نمود و مردم سوریه را در برابر کُرُنش ابرقدرتی چون روسیه، وارد معاملات پنهانی با روسیه و ایران ساخت، ماهیت خود را برای ملل تحت ستم ایران، آشکارتر ساخته است. کشورهای حوزه خلیج نیز با توجه به گرفتار شدن در چنبره هلال شیعی دور تا دور خود، تمامی تلاششان در نجات خود و شکستن این هلال است و بس. وضعیت آن بخش دیگر از ملت بزرگ بلوچ در بلوچستان شرقی نیز بر کسی پوشیده نیست که چگونه در جنگال جنایتکاران نظامی پاکستان گرفتارند و نه تنها توان یاری رساندن به این گزینه برای دستیابی به حاکمیت ملی مردم بلوچستان غربی را ندارند، بلکه شدیداً نیازمند همراهی و همگامی دیگران و به خصوص تک تک اعضای ملت بزرگ بلوچ می‌باشند. گزینه و نقشه راه حزب مردم بلوچستان استراتژی حاکمیت ملی است در اساسنامه حزب مردم بلوچستان به روشنی بیان شده است که حاکمیت ملی در بلوچستان حق طبیعی، تاریخی و تمام و کمال از آن مردم بلوچستان است و هیچ فرد، گروه، سازمان و حزبی حق معامله بر خلاف مصالح ملی مردم و حاکمیت آنان را ندارد. مردم بلوچستان به پارلمان منتخب خود و دولت منتخب پارلمان، حق اعمال حاکمیت خود را بطور موقتی و مشروط می‌سپارند . این مردم بلوچستانند که بنا بر آگاهی، شناخت و درک جمعی خود از طریق نهادها و ارگان‌های سیاسی خود در جامعه، سر نوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود را رقم می‌زنند. بنا بر چنین باوری است که: کنشگران حزب مردم بلوچستان که طبق اساسنامه حزبی، استراتژی بدست آوردن حاکمیت ملی مردم بلوچستان را در جغرافیای بلوچستان دنبال می‌کنند، اعتقاد دارند که در جوامع قرن حاضر، قدرت تعیین‌کننده، در توده‌های آگاه و سازمان‌یافته نهفته است و نیروهای روشنفکر متعهد و مسئول هر جامعه، رسالتی بسیار سنگین در آگاهی‌رسانی و سازماندهی توده‌های مردم و هدایت قدرت آنان در راستای مطالبات به حقتشان، بر دوش دارند. رسالتی که در دفاع و مقاومت در برابر خشونت دولت‌های مستبد و فرقه‌ای مستلزم جانبازی و از خودگذشتگی است . مردم بلوچ در نتیجه نزدیک به یک قرن تحقیر و تبعیضات گوناگون، با تمام ضعف‌های بوروکراتیک، آمادگی زیادی در تشکیل‌یابی و حرکت فعالانه برای آزادی از یوغ استبداد و استعمار و بدست آوردن حاکمیت خود و بدست گرفتن سرنوشت در سرزمین تاریخی خود دارند. اما حاکمیت استبداد و اعمال سرکوب در کل ایران و خصوصاً در جوامع ملی تحت ستم همانند بلوچ، عرب، کورد، تورکمن و …… مانع و بازدارنده شکل‌گیری طبیعی تشکلات سیاسی پیشرو و حتی نهادها و ارگان‌های صنفی مردم گشته است. حاکمیت استبداد بیرحمانه سده اخیر بر جامعه ایران، ملیت‌های به حاشیه رانده شده را عمداً از حقوق انسانی خود محروم کرده و آنان را در عقب‌ماندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی نگه داشته و از داشتن ابتدائیتیرین نهادها و ارگان‌های اداری، صنفی و سیاسی و مدنی محروم نموده است. اما هر زمان که فرصتی و گشایشی برای روشنفکران فراهم آمده، فرزندان آگاه بلوچ با استفاده از فضای موجود اقدام به ایجاد نهادهای لازم جهت تغییر و تحول جامعه بلوچستان نموده‌اند. این بدین معناست که جوامعی چون بلوچستان تشنه و گرسنه فضایی دمکراتیکند و به بهترین وجه از آن استفاده خواهند کرد. فضای

کردستان

آزاد اما کوتاه دوران اندکی پیش و پس از انقلاب شکست‌خورده بهمن ۱۳۵۷ شایان ذکر است که چگونه روشنفکران معدود و حساب‌شده آن زمان بلوچ، با تمام گم‌گشتگی ناشی از بی‌تجربگی خود، با ایجاد خانه بلوچ در دانشگاه بلوچستان (در زاهدان) و سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان در پیره (ایرانشهر) و یا روحانیون بلوچ با تأسیسحزب اتحاد المسلمین و یا فعالین ملی–مذهبی بلوچ با ایجاد حزب وحدت اسلامی بلوچستان با همراهی بزرگانی چون عبدالله قادری (اولین فارغ‌التحصیل دانشگاهی بلوچستان غربی)، حسین یاد، مولوی عبدالله روانبد و مولوی ابراهیم دامنی در پیره (ایرانشهر)، با سرعت به سازماندهی خود و کار در میان مردم خود پرداختند. و یا حتی اخیراً، در فضای نسبتاً شبه‌آزاد دوران حکومت خاتمی اصلاح‌طلب که بقای نظام عقب‌مانده مذهبی حاکم را در چنین فضایی می‌دید، چگونه نسل روشنفکر بعدی جامعه بلوچستان در طرح پیشبرد مسائل فرهنگی، هنری، ادبی و سیاسی بلوچستان از آن بهره بردند و انجمن جوانان صدای عدالت شکل گرفت و یا هم اینک نسل جوان امروز چگونه از تکنولوژی رسانه‌های عمومی و فضای مجازی موجود، بر خلاف میل حاکمان در آگاهی‌رسانی به مردم، بیشتاز میدان شده‌اند. فعالین حزب مردم بلوچستان برای برقراری حاکمیت ملی مردم بلوچستان، گزینه و نقشه راه اول سیستمی دمکراتیک، سکولار و فدرال، یعنی ساختاری سیاسی که به تجربه در بسیاری از کشورهای کثیرالملمه در حل معضل ستم ملی و تأمین حاکمیت ملی کارآیی نسبی خود را به اثبات رسانده است، فعالیت خود را سازماندهی می‌نمایند. نقشه راه طرفداران تأمین حاکمیت ملی با شعار فدرالیسم بر توانایی‌های تمامی ملیت‌ها و از جمله نیروهای دمکرات ملیت فارس، در سرنگونی استبداد جمهوری اسلامی ایران و استقرار دولت مشترک مرکزی با حق مساوی ملیت‌های ساکن ایران در مدیریت و کنترل آن و همچنین استقرار حکومت‌ها و پارلمان‌های منطقه‌ای، تکیه دارد. با توجه به چنین باوری است که تشکلات سیاسی فعال ملت‌های تحت ستم در ایران، از جمله حزب مردم بلوچستان با تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز ملل ساکن ایران مشروط بر تأمین حاکمیت ملی آنان و اشتراک با حق برابر در مدیریت و کنترل دولت مشترک مرکزی، در کنگره ملیت‌های ایران فدرال گرد هم آمده‌اند و همزمان امر رایزنی برای اتحاد با اوبوزیسیون مرکزی ایران در راستای مبارزهای مستمر و پیگیرانه برای تغییر نظام استبدادی حاکم با نظامی دمکراتیک، سکولار و فدرال را به پیش می‌برند. مبارزان گرد هم آمده در این تشکلات سیاسی، این نقشه راه و گذر از این مسیر را مناسبترین بستر برای گام نهادن در راستای برقراری نسبی حاکمیت ملی مردم خود در سرزمین‌های تاریخی‌شان در این برهه از زمان و شرایط منطقه‌ای می‌دانند. سخن پایانی اینک: مبارزه برای بدست آوردن حاکمیت ملی و حقوق برابر انسانی در میان ملت بلوچ به مرحله‌ای برگشت‌ناپذیر رسیده و نقطه توقف نخواهد داشت. این مبارزه متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر منطقه و جهان و توانایی‌های میدانی مردم بلوچستان، تا بدست آوردن رضایتمندی کامل از درجه و سطح حاکمیت ملی خود، بطور پویا و مداوم ادامه خواهد یافت.

تکوین و تکامل گفتمان کردایه‌تی در کرماشان و ایلام



سهراب کریمی

این گزینه بدون نگاه عمیق به بنیادهای معرفتی نحله‌های فکری میسر نیست، بنا بر این سوژه، کرد ناچار است در بین گزینه‌های شناور در جامعه دقت بیشتری به خرج دهد. اگر چه در کرماشان و ایلام به دلیل کنترل شدید امنیتی، سیستم سیاسی سعی کرده است دال‌های گزینه گفتمانی کردایه‌تی را سانسور کند، اما در نهایت این کار غیر ممکن است چرا که معانی گفتمانی در لابلای مفاهیم و واژه‌ها خود را به اذهان افراد خواهد رساند و در نهایت موجب بارور شدن تفکر می‌شود، به نظر می‌رسد معانی کردایه‌تی در مناطقی بارور می‌شود که بستر هویتی داشته باشد. این مناطق همیشه مسیر ورود کسانی بوده است که حامل افکار بوده‌اند. همچنین مسیر کسانی بوده است که در ایران زیسته، اما معبد معبود آنها عتبات و قبله آنها در عراق و حجاز بوده است و این منطقه در مسیر آنها بوده است. بعد از مشروطه نیز مکانی امن برای اپوزیسیون حکام تهران بوده است. بسیاری از اپوزیسیون توانسته‌اند به دلیل مجاورت این مناطق با عراق اوقاتی را در این منطقه بگذرانند و نیز کتیبه‌ها و مناطق باستانی در کرماشان و برای ناسیونالیست‌های ایرانی از دوره بعد از مشروطه مورد توجه بوده است. البته سیستم آموزشی و تبلیغات دولت مرکزی هم در تنوع گزینه‌های گفتمانی نقش داشته‌اند. برای بیان کردن موضوع، لزوم توجه به دو موضوع حائز اهمیت است: یکی خاستگاه سوژه‌ی کرد و دیگر گزینه‌های انتخابی است که پی‌یر بوردیو، اندیشمند و جامعه‌شناس فرانسوی آن را با

منش و میدان تحلیل می‌کند که بسیاری از شارحان همان ساختار و کارگزار نام می‌برند، اما در این مبحث اگر اساس فرهنگ کردی را خاستگاه منش سوژه کرد بدانیم و می‌توان در بیان ویژگی کردایه‌تی در کرماشان و ایلام استفاده شود. با کمی دقت در متون و جهت‌گیری فعالین کرد در این منطقه می‌توان در تحلیل اذهان سوژه کرد در این منطقه به بنیاد اصلی هویت کردستان این بنیاد هویتی مشترک است، اما همچنان که گفته شد در مناطق دیگر زیر لایه‌های کنش سیاسی و انقلابی مستتر شده است اما در کرماشان با فراغت بیشتری مورد توجه کردها بوده است. کردها در این مناطق با سنجش گفتمان‌های موجود با بنیاد فرهنگی و زیرساخت‌های اجتماعی خود به اعماق چیزی پی برده‌اند که اساس پیوند فرد با ساختار سوژه‌پرور است و خود می‌دانند که فردیت آنها ناشی از ساختار اجتماعی است که در پیوند با معانی روزمره در مناطق جنوبی کردستان همزمان چندین میدان را برای کنش دارد: از جمله گفتمان‌های ایرانی‌گرایی، مذهبی‌گری و چپ‌های ایرانی چرا که در این منطقه حکومت‌ها با ورود اولین خانواده‌های قاجاری برای استیلا بر این منطقه در همان زمان برای جای پای گفتمان‌های ایرانی باز کنند. از سوی دیگر در یک نگاه اجمالی می‌توان دریافت که در بازه‌ی زمانی مشروطه تا بعد از انقلاب سیستم سیاسی توانسته بود از ورود اندیشه‌ی ملی‌گرایی کرد

به کرماشان و ایلام جلوگیری کند و البته عدم آشنایی کردها با زبان نوشتاری کردی و تفاوت مذهبی و لهجه‌ای یارای دولتها بوده است و میتوان گفت که تا حدود زیادی ارتباط فکری و گفتمانی کردها با همدیگر قطع بود و کردهای کرماشان و ایلام در تقلاهای خود در جهت وارد کردن اراده‌ی خود و برجسته کردن نقش خود به هر یک از نحله‌های فکری وارد می‌شدند اما در نهایت بازخوردی متضاد را در ذهنیت آنها درست می‌کند یا دچار سرخوردگی می‌شوند و یا برای تأیید خود با افراط بیشتر از معمول، سعی در به دست آوردن مقبولیت خود می‌کردند، اما در نهایت کمکی به ارتقای زیرساخت فرهنگی خود نمی‌کرد. این سردرگمی تا بعد از انقلاب و حتی سال‌های بعد از جنگ دامنگیر این منطقه بود، اما در نهایت همراه با ناامیدی سراسری از انقلاب، آنچه برای اندیشیدن بکر مانده بود خود آنها و نوستالژی کردبودگی بود. این همزمان با آشنایی با دیگر کردها و فعالین کرد دیگر مناطق کردستان بود که بیشتر از هنر و موسیقی شروع می‌شود، شایان ذکر است که فعالین کرد مناطق شمالیتر کردستان به ویژه مناطق حائل در پیوند کردهای شمال و جنوب به هم نقشی مهم داشتند و حتی احزاب کرد هم در جهت مشارکت دادن این مناطق در قیام کردها تلاش کردند. حزب دمکرات از همان ابتدای انقلاب دفتر خود را در کرماشان تأسیس کرد و دو گردان پیشمرگه به نام‌های «بیستون» و «دالاهو» را سازماندهی کردند که توسط نخبگان کرد این مناطق فرماندهی

می‌شد، اما ارتباط گسترده‌ای که بعد از پایان جنگ آغاز شد، شاید مهمترین عامل آشنایی جوانان کرد در شهرهای دیگر ایران به ویژه در دانشگاه‌ها حائز اهمیت است. اگر چه گفتمان کردایه‌تی توسط سیستم حکومتی تکفیر شده بود، اما بالاخره این پیوند با تمایلی دوطرفه با شتاب و گستردگی زیادی شروع شد و ادامه دارد. آنچه که باعث پیوند دگرباره می‌شود، بدون شک اشتراک زیرساخت فرهنگی است که عامل اصلی و دیگری آمادگی ذهنی نسل جدید کردها بود و البته می‌توان به رشد تفکرات سکولار و تضعیف هویت مذهبی هم در ادغام ذهنی بی‌تأثیر نبوده است. دلیل را می‌توان شیوه تعامل گفتمان کردی با مردم و تعریف هویت کردها دانست که در مباحث قبلی** به آن اشاره شد. در مورد اهمیت یکسانی زیرساخت فرهنگی کردها یکی از فعالین کرد کرماشان(اسم محفوظ است) در مناظره‌ای محفلی با فعالین ایرانی چنین می‌گوید: «من یک کرد کرماشان هستم و زبان و ادبیات فارسی را بهتر از شماها بلدم، اما شاید لهجه‌ی یک کرد زازا در کردستان ترکیه را متوجه نشوم، اما می‌دانم اساس ما یکی است و ما کرد هستیم، اما فارس و ترک و عرب نیستیم و این کافیسیت که ما یک ملت هستیم و رابطه ما با هم عرضی است، نه عمودی» که منظور ایشان از رابطه‌ی عمودی، استیلای هژمونی ملت‌های دیگر بر کردهاست و رابطه‌ی افقی برابری و عدم رابطه فرودست و فرادست است. در این رویکرد چتر هویتی را برجسته می‌کند که در آن همه کردها را به صورت یکسان زیر

پوشش خود قرار می‌دهد. در نتیجه‌ی تبعیض و برتری که ویژه کشورهای ایران و دیگر کشورهای منطقه است، باز آفرینی نمی‌شود. در این اینجا کرد کرماشان از چیزی سخن می‌گوید شاید دیگر کردها اگر چه به آن فکر کرده‌اند، اما با چنین قاطعیتی در جهت مقاومت در برابر هجوم انهدام‌آمیز قوم غالب نگفته باشد. همانا سوژه‌ی کرد می‌داند منش اصلی خود از مناسبت‌های فرهنگی، زبانی است که در طول تاریخ تکوین یافته و این مناسبت‌ها در نهایت کرد را خلق کرده است و میدان‌های گزینشی پیش روی سوژه‌ی کرد در ارتباط با خاستگاه منشی خود را می‌سنجد و در این تحول ذهنی است که خوانش نو در ادامه‌ی تکمیل گفتمان کردایه‌تی خلق می‌شود و با این خوانش نوین، می‌تواند کردایه‌تی را از گزند هجوم انحلال در گفتمان ملت‌های هژمون در امان بدارد و در یک جدال گفتمانی متجاوز را تعریف می‌کند و با استفاده از معیار ارزش‌های جهانشمول و دمکراتیک، متجاوز و اشغالگر را ابتدا به محکمه‌ی داوری اخلاقی و گام بعدی حقوقی می‌کشاند و در نهایت آنها را وادار به عقب‌نشینی در سرزمین‌های خود آنها می‌کند... ادامه دارد

**بخش نخست از مطلب «تکامل و تکوین کردایه‌تی» که هر شماره بخشی از آن منتشر می‌شود.

**مطلبی به عنوان «خیزش کردایتی در کرماشان» و «ایلام و ویژگی جنبش کرد در کرماشان و ایلام»

روز جهانی زبان مادری، احترام به هویت ملی



ام.اس» و شبکه‌های اجتماعی و پیامک‌هایی همانند (زبان هویت ملی) و (دوم اسفند، روز زبان مادری) برای معلمان مدارس فرستاده شده است. در بعضی از شهرهای کردستان، معلمان، مضامین درسی را با شعر گُردی آغاز نمودند و احترام و بزرگداشت از زبان و ادبیات گُردی و بحث در مورد این روز، گرامیداشت روز ۲ اسفند روز زبان مادری را یک وظیفه‌ی ملی دانستند و خواستار تحصیل به زبان گُردی در مدارس کردستان ایران شدند که با استقبال دانش‌آموزان روبرو شد. در ادامه‌ی این فعالیت‌ها، سازمان‌های مدنی شهرستان میوان نیز در مورد روز جهانی زبان مادری بیانیه‌ای را منتشر نمودند. اتحادیه‌های زنان، جوانان و دانشجویان دمکرات کردستان ایران نیز به مناسبت روز جهانی زبان مادری، بیانیه‌ای مشترک ارائه دادند که در این بیانیه از اهمیت زبان همانندابزاری اصلی برای ارتباط میان انسان‌ها و پایه‌ی تمدن و پیشرفت فرد و اجتماع بحث شده است.

صنعی معلمان کردستان ایران در ارتباط با بزرگداشت این روز را پخش نمودند که با استقبال پر شور دانش‌آموزان و معلمان روبرو شد و برای بزرگداشت این روز در مدارس «حاج رسولیان، هنرستان خدیجه کبری، حوزه‌ی مقاومت بسیج مدارس گورگاو، مدرسه روستای نرزیوی و پارک شهری فرهنگیان» فعالیت تبلیغی انجام دادند. در شهرستان مهاباد نیز فعالان دمکرات در مدارس: مطهری، هنرستان صنعتی، دانشگاه آزاد ساختمان شماره ۲، دانشکده‌ی سما، مدارس روستای شاریوران و عبدالله‌پور، فعالیت تبلیغی گسترده انجام دادند. به همین مناسبت در شهرستان پیرانشهر نیز، اعضای حزب و دلسوزان زبان گُردی، در مدارس خامنه‌ای، احمدی روشن، شاهد، دبیرستان دخترانه‌ی زینب، دبیرستان صدوقی و مدرسه‌ی دینی صلاح‌الدین، تراکت و پوستره‌های مخصوص این روز را پخش نمودند. گفتنی می‌باشد که بخشی از این فعالیت‌ها، از طریق «اس.

همچنین در همان شب، فعالان دمکرات در شهرستان بوکان با انجام فعالیت گسترده‌ی تبلیغی به مناسبت روز جهانی زبان مادری، این روز را گرامی داشتند. مکان‌های تبلیغی فعالان دمکرات در این شهر شامل مدارس: وحدت، دبیرستان دخترانه‌ی ۱۲ فروردین، دبستان دخترانه‌ی وحدت، دبستان پسرانه بعثت، بهداری مجبورآباد، دبیرستان ۷ تیر، دبستان امین و دخترانه‌ی طلوع آزادی و دانشگاه پیام نور و آزاد، مدارس استقلال، اندیشه، خمینی، اداره‌ی آموزش و پرورش، انقلاب، شبانه‌روزی دانشمند، هجرت و فرهنگیان. همچنین در ادامه‌ی این فعالیت‌ها، اعضای حزب با نوشتن نام دمکرات در کوچه‌ها و خیابان‌ها، بار دیگر حمایت خود را از حزب دمکرات و راسان اعلام نمودند. اعضای و هواداران دلسوز حزب در شهرستان اشنویه در مدارس پروین اعتصامی، فاطمیه، فنی حرفه‌ای فرزنانگان، مطهری، حاجی رسولیان، شرف، فرهنگ و دانش، تراکت و پوستره‌های مخصوص این روز و بیانیه‌ی حزب و اتحادیه‌ی

هملگرن له کوشتنی میشکی مندالانی کورد به سه پاندنی زمانی فارسی»، «دست از زینوساید فکری فرزندان گُرد با تحمیل زبان فارسی بردارید» نوشته شده بود. همچنین به همین مناسبت در شهرستان سنندج، کودکان سنندجی با حمل پلاکارد، خواستار خواندن به زبان مادری خود شدند. در شهرستان اشنویه نیز، به همین مناسبت و از سوی حزب دمکرات کردستان ایران و کومله، در کوچه‌های مجیدآباد، مام تمر، مسجد نبی اکرم، کوچه‌ی حنفیان، جاده‌ی قلاتوک و سیدآوی، کوچه‌ی بارزان آباد و خانه‌ی معلم این شهر، فعالیت تبلیغی انجام دادند. در شهرستان سقز نیز، به مناسبت روز جهانی زبان مادری، در پارک کوثر این شهر، فعالیت تبلیغی انجام شد. فعالان دمکرات در شهرستان میوان نیز، شب یکم اسفندماه و در آستانه‌ی روز جهانی زبان مادری، در کوچه‌های مردوخ، دارسیران ۲ و ۳، شهرک کوثر، شهرک زیبا، پارک شانو (تئاتر)، موسک ۲، بهداشت شماره‌ی ۴، چهار راه موسک به شیوه‌ی گسترده فعالیت تبلیغی انجام دادند.

شهرهای مختلف کردستان به انجام رسیده، از این قرار است: در شهرستان بوکان، فعالان و مبارزین دمکرات به مناسبت روز جهانی زبان مادری، روز جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۹۵، فعالیت گسترده‌ی تبلیغی را انجام داده‌اند. فعالان دمکرات در اطراف مدارس و مراکز آموزشی همانند: دبستان حسن کاظمی، دبستان جابر بن حیان، هنرستان دارالفنون، دبیرستان دخترانه‌ی الزهراء، دبستان پسرانه‌ی سالمی ۱، ۲ و ۳، دخترانه‌ی انقلاب ۱، دبیرستان ۸ شهریور، دبیرستان فردوسی، هنرستان فنی حرفه‌ای علامه طباطبایی، دبستان بهار اندیشه و دبیرستان چمران فعالیت تبلیغی انجام دادند. همچنین جمعی از جوانان وفادار در شهرستان سنندج نیز به مناسبت روز جهانی زبان مادری مقابل اداره‌ی کل آموزش و پرورش شهرستان سنندج، تجمع نموده و با حمل پلاکارد، سیاست تبعیض‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمودند. بر روی پلاکاردها، به دو زبان گُردی و فارسی شعار «دهست

۲۱ فوریه‌ی هر سال، فرصتی است برای بزرگداشت زبان مادری در جهان و راهی برای پیشگیری از نابودی زبان ملی و مادری در همه‌ی جهان با همکاری سازمان یونسکو، وابسته به سازمان ملل با نام «روز جهانی زبان مادری» نامگذاری شده است. در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۹۵، حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کومله‌ی کردستان ایران، بیانیه‌ی مشترک به مناسبت روز جهانی زبان مادری خطاب به مردم کردستان منتشر نمودند که در این بیانیه از مردم خواسته‌اند از هر فرصتی استفاده نموده و فریاد حق طلبانه‌ی خود را بر آورده و عملاً بر احقاق حق و ارزش و سرمایه‌ی ملی خود که همان زبان مادری است، پافشاری نمایند. به همین مناسبت اعضای و هواداران حزب دمکرات کردستان ایران در مناطق و شهرهای مختلف کردستان ایران، فعالیت گسترده را به انجام رسانیده و این روز را گرامی داشته که آنچه که در زیر به آن اشاره می‌شود. بخشی از این فعالیت‌ها که در